



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان اسلامی در ایران



**بیانیه های نهادهای تخصصی حقوقی غیر دولتی در سطح جهانی در مورد تجاوز آمریکا و
اسرائیل به ایران
(شماره ۲- نهادهای حرفه وکالت)**

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش های گسترده ای نزد ملت های مختلف شکل گرفت. این واکنش ها در مواردی مشابه واکنش های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی با واکنش های برجسته تر همراه شد به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه های مردم در لامرد با بمب های خاص دارای آثار غیر انسانی گسترده، هدف قراردادن ده ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیر ساختهای مردمی ایران، توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت ها موضعگیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته اند، به طور طبیعی از نهادهای تخصصی حقوقی در سراسر دنیا انتظار بیشتری می رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این نهادها بهتر ابعاد نقض حقوق بین الملل و حقوق بشر را درک می کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش تلقی میشود.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از نهادهای تخصصی حقوقی واکنش های مناسبی هم از حیث محتوا و هم از حیث فوریت اعلام نظر داشتند. اما بعضی نهادها متأسفانه محافظه کاری پیشه کرده و سخنی نگفتند که موجبات غضب مسئولان آمریکا یا رژیم اشغالگر اسرائیل را در پی داشته باشد یا اگر حرفی زدند دوپهلو و مبهم سخن گفتند و با عباراتی بی خاصیت، هر دو طرف را به کاهش تنش دعوت کردند یا ضمن اشاره به تجاوز آمریکا چند مطلب منفی نیز علیه ایران مطرح کردند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام نهادهای تخصصی حقوقی موضعگیری شفاف داشتند و کدام نهادها هیچ موضعگیری نکرده یا مواضع بی خاصیتی داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص موضعگیری های نهادهای تخصصی حقوقی یا شخصیت های علمی فعال در حوزه حقوق بین الملل داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد.

گزارش حاضر مهم ترین موضعگیری های نهادهای تخصصی فعال در حوزه و کالت از جمله مواضع چند نهاد از خود آمریکا را در خصوص تجاوز به ایران پوشش داده است. با ملاحظه متن مواضع هر نهاد می توان رویکرد فکری مجموعه مزبور را تا حدودی مورد شناسایی قرار داد. بعضی از این نهادها خارج از موضعگیری در قبال تجاوز به ایران، در دیگر فعالیت های خود در سطح جهانی راجع به موارد گوناگون جنایات ارتكابی همانند نسل کشی در غزه نیز مواضع شفافی داشته اند و مصادیق مختلف بی عدالتی در سطح جهانی را هدف قرار داده اند که به همین جهت نیز شناخته شده هستند اما بعضی از دیگر نهادها این گونه نیستند. تعدادی از این نهادها چون انجمن وکلای شهر نیویورک - چنانچه خود در بیانیه صادره گفته اند - در گذشته موضعگیری های متعدد علیه مسائل داخلی ایران داشته اند اما با این حال ترجیح داده اند که این تجاوز را محکوم کنند. در اکثر بیانیه های صادره ارجاعات تحقیقی در خصوص گزاره های اعلامی در بیانیه وجود ندارد اما در بیانیه صادره انجمن وکلای شهر نیویورک ارجاعات تحقیقی مفصلی در انتها ارائه شده است. در بعضی از بیانیه های صادره صراحتاً از نیروهای مسلح آمریکا خواسته شده که دستورهای ضد انسانی ترامپ را اجرایی نکنند یعنی بدانند که استناد به معذوریت اجرای اوامر مافوق در ارتكاب جنایت، رافع مسئولیت حقوقی و کیفری آنها نخواهد بود.

امور پژوهشی کمیسیون برای آنکه مخاطبان محترم گزارش حاضر، نهادهای صادر کننده بیانیه یا فعالیت اعلام شده را بهتر بشناسند، در ابتدای هر بیانیه توضیحاتی در زیر نویس در خصوص نهاد مزبور ارائه کرده است. در چند مورد نیز در خصوص برخی قسمت های بیانیه ها، توضیحاتی در زیر نویس درج یا کلماتی داخل براکت [] افزوده شد که فهم موضوع دقیق تر انجام پذیرد. نقد و ارزیابی فنی و مستقل بیانیه ها خود مجال موسعی می طلبد که جداگانه باید انجام شود. ضمناً بیانیه ها بر اساس ترتیب تاریخ صدور و انتشار عمومی، در این مجموعه تنظیم و تدوین شد. با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، موجبات تقویت حساسیت ها برای دفاع از حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده بشرح آتی تقدیم میشود. فهرست تهیه شده در ابتدای گزارش نیز برای سهولت دسترسی به هر مورد تدوین شده و ربطی به نهادهای صادر کننده بیانیه ها ندارد.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

اردیبهشت ۱۴۰۵

♦ متصدی روند برگردان انگلیسی به فارسی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، اردیبهشت ۱۴۰۵
♦ مآخذ: پایگاههای اطلاع رسانی هر یک از نهادهای مذکور در گزارش حاضر (به زبان انگلیسی)، دوره بررسی؛ از

تابستان ۲۰۲۵ تا بهار ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۰۵

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در
راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المفعه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir



فهرست مطالب:

۱-بیانیه انجمن بین المللی وکلای دموکراتیک در مورد حمله مسلحانه آمریکا و اسرائیل به ایران / ص ۷
منتشر شده در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ برابر با نهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی / برگردان انگلیسی به فارسی در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

۲-بیانیه انجمن اروپایی وکلای مدافع دموکراسی و حقوق بشر جهانی در مورد استفاده غیرقانونی از نیروی نظامی علیه ایران و دفاع از نظم حقوقی بین المللی / ص ۱۱
منتشر شده در یکم مارس ۲۰۲۶ برابر با دهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی / متصدی برگردان از انگلیسی به فارسی: خانم فاطمه بابایی فتلی، دانش پژوه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه اروپا و همیار افتخاری کمیسیون، ویرایش و نهایی سازی در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

۳-بیانیه انجمن بین المللی وکلا [دادگستری] و موسسه حقوق بشر این نهاد در مورد مخاصمه آمریکا، اسرائیل و ایران / ص ۱۵
منتشر شده در ۱۱ مارس ۲۰۲۶ برابر با بیستم اسفند ۱۴۰۴ شمسی / برگردان انگلیسی به فارسی در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

۴-بیانیه اتحادیه ملی وکلا [آمریکا] در محکومیت تجاوز غیرقانونی مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران / ص ۲۰
منتشر شده در ۱۳ مارس ۲۰۲۶ برابر با ۲۲ اسفند ۱۴۰۴ شمسی / برگردان انگلیسی به فارسی در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

الحاقیه سند فوق: بیانیه خاص کارگروه حقوق نظامی (MLTF) اتحادیه ملی وکلا [آمریکا] در مورد حمله به ایران

۵-اطلاع رسانی انجمن وکلای آمریکا در مورد جلسه ای راجع به جنگ ایران / ص ۲۴
منتشر شده در ۳۰ مارس ۲۰۲۶ برابر با ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ شمسی / برگردان انگلیسی به فارسی و توضیحات لازم افزوده بر متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

-توضیح در مورد عملکرد انجمن وکلای ایرانی آمریکایی

۶-بیانیه انجمن وکلای شهر نیویورک در خصوص اقدام نظامی ایالات متحده علیه ایران / ص ۲۷
منتشر شده در ۲۷ آوریل ۲۰۲۶ برابر با ۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی / متصدی برگردان انگلیسی به فارسی: امیر احسان بی
غم، دانش پژوه رشته حقوق و همیار افتخاری کمیسیون، ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق
بشر اسلامی ایران



بیانیه انجمن بین المللی وکلای دموکراتیک در مورد حمله مسلحانه آمریکا و اسرائیل به ایران

(منتشر شده در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ برابر با نهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی)

انجمن بین المللی وکلای دموکراتیک^۱ (IADL) با شدیدترین عبارات، حمله مشترک ایالات متحده و اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران را که در صبح روز شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ و در میانه ماه مبارک رمضان انجام شد، محکوم می کند. این حملات نمونه ای دیگر از جنایت تجاوز محسوب می شوند که به طور آشکار ناقض بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد و اصول حاکمیت، تمامیت ارضی دولت ها، حُسن همجواری و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات است. حقوق بین الملل به روشنی هم استفاده از زور و هم تهدید به استفاده از زور علیه تمامیت ارضی هر کشوری را ممنوع می کند، و همچنین آشکار است که ایالات متحده و اسرائیل نسبت به این اصول عمیقاً بی اعتنا و تضعیف کننده هستند.

نه ایالات متحده و نه اسرائیل حتی تلاشی برای پنهان کردن این واقعیت نکرده اند که این تجاوز با هدف تسهیل تغییر نظامی انجام می شود که با اهداف آنان برای سلطه کامل نظامی، اقتصادی و سیاسی بر کل منطقه غرب آسیا سازگار باشد، و همچنین برای محروم کردن مردم فلسطین که تحت اشغال قرار دارند و با یک نسل کشی مداوم روبه رو هستند، از حمایت لازم برای مقاومت و رهایی از این اشغال غیرقانونی.

^۱ این نهاد در برخی منابع این گونه معرفی شده است: انجمن بین المللی حقوقدانان دموکرات (IADL) نهادی فعال در سطح بین المللی متشکل از انجمن های حقوقدانان چپ گرا و ترقی خواه است که در ۵۰ کشور و قلمرو، دارای شعبه و عضو می باشد. این انجمن علاوه بر تسهیل ارتباط و تبادل نظر میان وکلا و انجمن های حقوقی کشورهای مختلف، به انجام پژوهش پیرامون مسائل حقوقی مرتبط با حقوق بشر و حقوق سیاسی و اقتصادی می پردازد، کمیسیون های تحقیق و کنفرانس های بین المللی با محوریت دغدغه های حقوقی و قضایی برگزار می کند و در هیئت های بین المللی ناظر حقوقی مشارکت می ورزد. این انجمن در سال ۱۹۴۶ در پاریس توسط حقوقدانان چپ گرای فرانسوی که با نهضت مقاومت فرانسه مرتبط بودند، تأسیس شد. بسیاری از بنیان گذاران آن در مقام دادستان در محاکمات دادگاه نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم ایفای نقش کردند. نخستین رئیس این انجمن، رنه کاسن بود که در تدوین «اعلامیه جهانی حقوق بشر» نقش موثری بر عهده داشت. مقر این نهاد در بروکسل بلژیک واقع شده و دبیرخانه بین المللی نیز در توکیو ژاپن دارد.

ما بیانیه‌های خود در تاریخ‌های ۱۸ ژوئن ۲۰۲۵ و ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ را که در جریان جنگ ۱۲ روزه سال ۲۰۲۵ صادر شدند-جنگی که خود نمونه‌ای دیگر از تجاوز غیرقانونی همین طرف‌ها علیه ایران بود- مجدداً تأکید می‌کنیم. فقدان مستمر پاسخگویی یا هرگونه پیامد معنادار برای عاملان این اقدامات نه تنها موجب تداوم جنگ افروزی و ویرانی شده، بلکه فرهنگ مصونیت از مجازات را نهادینه کرده که عملاً به همدستی [در ارتکاب جنایت] می‌انجامد.

بار دیگر یادآور می‌شویم که مذاکراتی که ظاهراً با هدف دستیابی به راه حل مسالمت آمیز یا رسیدگی به [موضوع] توسعه هسته‌ای انجام می‌شدند، به عنوان فریبی برای تضعیف [توان] دفاعی ایران مورد استفاده قرار گرفتند، همان گونه که پیش تر در زمینه تهاجم به عراق شاهد بودیم.

مقامات اسرائیلی آشکارا اعلام کرده‌اند که این حمله را طی ماه‌ها و هفته‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند، دوره‌ای طولانی تر از هر یک از دوره‌های مذاکرات. چنین تجاوزی نه تنها سوءنیت ایالات متحده و اسرائیل را برجسته می‌کند، بلکه کشورها را از مشارکت در مذاکرات صلح یا گفت وگوها دلسرد می‌سازد، زیرا روشن شده است که این کشورها چنین مذاکراتی را صرفاً ابزاری برای خرید زمان تا آغاز تجاوزی جدید می‌دانند. این تجاوز کمتر از دو ماه پس از حمله ایالات متحده به ونزوئلا و ربایش غیرقانونی رئیس جمهور و بانوی اول آن کشور رخ داده و در بحبوحه تهدیدهای جنگی مداوم و محاصره نفتی تحمیل شده بر کوبا صورت گرفته است. این بی‌اعتنایی کامل به روند مذاکرات تنها به گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سراسر جهان دامن می‌زند؛ همچنین یادآور می‌شویم که ایالات متحده بزرگ‌ترین ذخیره سلاح‌های هسته‌ای جهان را در اختیار دارد و تنها کشوری است که از آن‌ها استفاده کرده است. افزون بر این، اسرائیل یک قدرت هسته‌ای اعلام نشده است که به طور مداوم بر اساس توان هسته‌ای خود تهدید می‌کند.

در این چارچوب، بار دیگر باید به همدستی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) اشاره کنیم که به عنوان یک نهاد بی‌طرف عمل نمی‌کند، بلکه به ارائه بهانه‌هایی برای کسانی می‌پردازد که درگیر اعمال غیرقانونی جنگ و تجاوز هستند. در تکراری تقریباً مشابه با رویدادهای ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵- زمانی که آژانس قطعنامه‌ای علیه ایران صادر کرد و تنها چند ساعت بعد بمباران اسرائیل آغاز شد- در ۲۷ فوریه ۲۰۲۶ نیز آژانس بیانیه‌ای صادر کرد و مدعی شد که «قادر به راستی آزمایی» ادامه غنی سازی سنگین توسط ایران نیست، و به آنچه تأسیسات زیرزمینی در اصفهان نامید اشاره کرد و از ایران خواست اجازه ورود بازرسان به تأسیسات بسته و ایمن را بدهد. بار دیگر، [ایفای] نقش نگران کننده

آژانس در تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران، کارکرد اعلام شده این نهاد را در خدمت منافع یک قدرت هسته‌ای اعلام نشده [یعنی اسرائیل] و تنها کشوری که از سلاح هسته‌ای در جنگ استفاده کرده، زیر سؤال می‌برد.

ما یادآور می‌شویم که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، همچنان موضوع حکم بازداشت صادر شده از سوی دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است، در حالی که به پیگیری جنگ و تجاوز مستمر علیه مردم فلسطین که هدف نسل‌کشی قرار گرفته‌اند، لبنان، سوریه و اکنون بار دیگر ایران ادامه می‌دهد.

تجاوزی که امروز آغاز شده، ادامه تجاوز غیرقانونی سال گذشته و همچنین تداوم کارزار طولانی مدت و عامدانه‌ای از اقدامات خصمانه طی بیش از ۴۶ سال است از جمله تحریم‌هایی با هدف نابودی اقتصاد ایران، عملیات هماهنگ جنگ سایبری، ترورهای هدفمند و اقدامات نظام‌مند خرابکارانه.

ما از تمامی کشورها می‌خواهیم که در چارچوب تعهدات خود تحت حقوق بین‌الملل، تمامی کمک‌های لازم را به جمهوری اسلامی ایران، فلسطین و سایر کشورهایی که در معرض تجاوز غیرقانونی ایالات متحده و اسرائیل و نیز نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل از جمله نسل‌کشی قرار گرفته‌اند، ارائه دهند.

تأکید می‌کنیم که این تجاوز نه تنها تهدیدی علیه مردم و ملت‌های منطقه غرب آسیا، بلکه تهدیدی برای آینده چندجانبه‌گرایی، حقوق بین‌الملل و تمامیت ارضی دولت‌ها است. ایران، به عنوان یک کشور مستقل، حق روشن و مشروع دفاع از خود در برابر این تجاوز غیرقانونی را دارد.

از تمامی کشورها می‌خواهیم فوراً تحریم تسلیحاتی علیه اسرائیل و ایالات متحده را اجرا کنند، سفرای خود را فراخوانند و اقدامات حقوقی لازم را برای پاسخگو کردن مقامات نظامی و سیاسی آن‌ها دنبال کنند.

ما نمی‌توانیم صرفاً به دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی برای پایان دادن به این تجاوز اتکا کنیم. از همه حامیان عدالت، حاکمیت، صلح و حقوق بین‌الملل می‌خواهیم در تظاهرات گسترده و اقدامات اعتراضی علیه این تجاوز به ایران شرکت کنند و با بسیج فشار مردمی، به پایان دادن به آن کمک کنند. همچنین از تمامی سازمان‌های حقوقی، وکلا و نهادهای حقوق بشری می‌خواهیم از سازوکارهای داخلی و بین‌المللی برای پاسخگو کردن مقامات و نیروهای نظامی اسرائیل و ایالات متحده در قبال این تجاوز غیرقانونی علیه ایران و اعمال نسل‌کشی در فلسطین استفاده کنند، و از

سازمان‌دهندگان و جنبش‌های اجتماعی در برابر سرکوب دولتی به‌دلیل تلاش‌هایشان برای پایان دادن به جنگ و
نسل‌کشی حمایت و دفاع نمایند.



بیانیه انجمن اروپایی وکلای مدافع دموکراسی و حقوق بشر جهانی در مورد استفاده غیرقانونی از

نیروی نظامی علیه ایران و دفاع از نظم حقوقی بین‌المللی

(منتشر شده در یکم مارس ۲۰۲۶ برابر با دهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی)

انجمن اروپایی وکلای مدافع دموکراسی و حقوق بشر جهانی^۲ (ELDH)، حملات هوایی اخیر آمریکا و اسرائیل به تمامیت ارضی (خاک) ایران را با قاطعیت محکوم می‌کند. در شرایط امروز که تنش‌های منطقه‌ای بالا گرفته و استفاده‌های یک‌طرفه و مکرر از نیروی نظامی زیاد شده است، این حملات، نقض آشکار و تازه حقوق بین‌الملل به شمار می‌روند. چنین اقداماتی باعث می‌شوند نظم حقوقی چندجانبه‌ای که بر پایه‌ی منشور سازمان ملل بنا شده، با سرعت بیشتری رو به نابودی و فرسایش برود.

۱. ممنوعیت مطلق استفاده از نیروی نظامی

بند ۴ از ماده‌ی ۲ منشور سازمان ملل متحد، هرگونه تهدید یا استفاده از نیروی نظامی را ممنوع کرده و این موضوع را به عنوان یک اصل پایه‌ای در نظام حقوق بین‌الملل جا انداخته است. این قانون در سطح جهان به عنوان یک «قاعده‌ی آمره» (قاعده‌ای که هیچ کشوری حق تخلف از آن را ندارد) شناخته می‌شود و تنها استثنای بسیار محدود و خاصی برای آن وجود دارد.

اگر شورای امنیت مجوزی صادر نکرده باشد، تنها استثنای موجود برای استفاده از زور، «حق ذاتی دفاع مشروع» بر اساس ماده‌ی ۵۱ [منشور] است؛ آن هم فقط و فقط «در صورتی که یک حمله‌ی مسلحانه اتفاق افتاده باشد». دیوان بین‌المللی دادگستری در رویه‌ی قضایی خود همیشه این استثنا را بسیار «محدود و سخت‌گیرانه» تفسیر کرده است. یعنی برای استفاده از این حق، یا باید یک حمله‌ی مسلحانه‌ی واقعی رخ داده باشد، یا حداقل حمله‌ای در شرف وقوع باشد که بتوان آن را با دقت و سند ثابت کرد. ضمناً این دفاع باید با شرایط «ضرورت و تناسب» نیز همخوانی داشته باشد. اما در مورد حمله‌ی اخیر، به نظر می‌رسد هیچ کدام از این شرایط و حدنصاب‌ها برای توجیه حمله وجود نداشته است.

^۲. این نهاد در سال ۱۹۹۳ در پاریس فرانسه ایجاد شده است و اکنون از نهادهای وکالت یا وکلای ۲۳ کشور اروپایی در آن عضویت دارند. عضویت در این نهاد برای همه نهادهای وکالت و وکلای اروپایی میسر است و با حق عضویت اعضا و همیارهای مختلف اداره می‌شود. مقر این انجمن برابر اساسنامه آن دوسلدروف آلمان است.

۲. غنی‌سازی اورانیوم و غیرقانونی بودن حملات «پیشگیرانه»

صرف موضوع برنامه‌ی ادعایی غنی‌سازی اورانیوم ایران - حتی اگر فرض کنیم نگرانی‌هایی را درباره‌ی نقض قوانین «منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» ایجاد می‌کند- نه یک حمله‌ی مسلحانه به حساب می‌آید و نه می‌توان آن را خودبه‌خود معادل یک حمله‌ی مسلحانه‌ی قریب‌الوقوع در چارچوب ماده‌ی ۵۱ [منشور] دانست.

هرگونه اختلاف درباره‌ی فعالیت‌های هسته‌ای، باید از طریق معاهدات خاص خودش حل و فصل شود؛ مسیرهایی مانند چارچوب‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سیستم‌های بازرسی و البته مذاکرات دیپلماتیک.

حتی اگر ادعای پایبند نبودن یک کشور به تعهدات هسته‌ای بسیار جدی باشد، باز هم به هیچ کشوری این حق باز و نامحدود را نمی‌دهد که خودسرانه دست به حمله‌ی نظامی بزند.

نظریه‌ی «دفاع مشروع پیشگیرانه»^۳، یعنی حمله‌ای که هدفش خنثی کردن توانمندی‌های احتمالی یک کشور در آینده است، هیچ پایه و اساس روشنی در حقوق بین‌الملل مکتوب و رسمی ندارد. اگر بپذیریم که صرف داشتن یا توسعه‌ی یک ظرفیت فناوری (بدون اینکه هیچ حمله‌ی مسلحانه‌ای رخ داده باشد) بمباران خاک یک کشور مستقل را توجیه می‌کند، در واقع بند ۴ از ماده‌ی ۲ منشور سازمان ملل را از ریشه نابود کرده‌ایم. با این کار، استثنای «دفاع مشروع» به ابزاری دلبخواهی تبدیل می‌شود تا کشورهای قدرتمند هر طور که مایلند اعمال قدرت کنند.

بهانه کردن واژه‌هایی مثل «تهدید موجودیتی» نمی‌تواند شعارهای سیاسی را جایگزین استانداردهای دقیق حقوقی کند. حقوق بین‌الملل هرگز نمی‌پذیرد که «احساس ذهنی یک کشور از وجود یک تهدید»، جایگزین معیارهای عینی و واقعی (مثل وقوع یک حمله‌ی مسلحانه، لزوم پاسخگویی و متناسب بودن آن) شود.

۳. الگویی خطرناک در رفتار دولت‌های نظامی متجاوز

این حملات را نباید اتفاقاتی مجزا و پراکنده دید. آن‌ها نشان‌دهنده‌ی یک الگوی گسترده‌تر و به‌شدت نگران‌کننده هستند؛ الگویی که در آن، دولت‌های نظامی متجاوز روزبه‌روز بیشتر به تفسیرهای گشاده و دلبخواه از مفهوم «دفاع مشروع» پناه می‌برند، خودشان یک‌طرفه تهدیدها را ارزیابی می‌کنند و به رویکردهای «زورمدارانه»^۴ ای متوسل می‌شوند که نهادهای بین‌المللی را دور می‌زنند یا بی‌اثر می‌کنند.

^۳ preventive self-defence

در شرایط فعلی، رفتار آمریکا و اسرائیل نشان می‌دهد که آن‌ها تمایل دائمی دارند تا به‌طور یک‌طرفه دست به اقدام نظامی بزنند؛ آن‌هم در شرایطی که به‌روشنی می‌توان ثابت کرد هیچ‌یک از پیش‌شرط‌های حقوقی برای دفاع مشروع شکل نگرفته است. هدف از ادامه‌ی چنین رویه‌هایی، نابود کردن ساختار «امنیت دسته‌جمعی»^۴ است؛ همان ساختاری که در سال ۱۹۴۵ برای حفظ صلح جهانی پایه‌گذاری شد.

اگر کشورهای قدرتمند این حق را به خود بدهند که به‌تنهایی درباره‌ی قانونی بودن حملات پیشگیرانه تصمیم بگیرند، قانون «ممنوعیت استفاده از زور» دیگر یک قانون الزام‌آور نخواهد بود، بلکه به موضوعی سلیقه‌ای و مشروط تبدیل می‌شود. نتیجه‌ی چنین رویکردی قطعاً امنیت بیشتر نیست؛ بلکه بی‌ثباتی همه‌جانبه و ضعیف شدن حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی خواهد بود.

حقوق بین‌الملل نمی‌تواند به عنوان یک ابزار انتخابی به حیات خود ادامه دهد؛ ابزاری که کشورها هر وقت راحت بودند به آن استناد کنند و هر وقت که محدودشان کرد، آن را نادیده بگیرند.

۴. فراخوانی به جامعه‌ی حقوقی بین‌المللی

در این شرایط حساس و خطرناک، سکوت کردن اصلاً به معنای بی‌طرفی نیست. حفظ یکپارچگی نظم حقوقی بین‌المللی، فقط بر دوش نهادهای رسمی نیست؛ بلکه به مشارکت فعال و اصولی حقوق‌دانان، پژوهشگران، قضات، و کلا و البته جامعه‌ی مدنی نیاز دارد.

به همین دلیل، ما از جامعه‌ی حقوقی بین‌المللی می‌خواهیم که:

قاطعانه و بدون هیچ‌گونه ابهامی، بار دیگر بر الزام آور بودن بند ۴ از ماده‌ی ۲ منشور سازمان ملل متحد تأکید کنند؛ هرگونه توجیه حقوقی برای حملات پیش‌دستانه یا پیشگیرانه را در شرایطی که هیچ حمله‌ی مسلحانه‌ای (به معنای دقیق حقوقی آن) رخ نداده است، کاملاً رد کرده و نپذیرند.

از اقتدار سازوکارهای چندجانبه حل و فصل اختلافات و نظارت بر رعایت تعهدات عدم اشاعه حمایت و دفاع کنند؛ بر ضرورت پاسخگویی دولت‌ها مطابق قواعد حقوقی حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تأکید کنند.

⁴ The Collective Security

این روزها، لحظاتی دشوار و مخاطره‌آمیز اند. دقیقاً به همین دلیل، پایبندی به حقوق بین‌الملل امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. تضعیف و فرسایش هنجارهای بنیادین نظام حقوق بین‌الملل از طریق سکوت یا تسلیم در برابر نقض آن‌ها، پیامدهایی به مراتب فراتر از هر بحران منفرد به همراه خواهد داشت. دفاع از نظام مبتنی بر منشور ملل متحد یک انتخاب اختیاری نیست، بلکه مسئولیتی حقوقی و جمعی است که بر عهده تمامی اعضای جامعه بین‌المللی قرار دارد.



بیانیه انجمن بین المللی وکلا [دادگستری] و موسسه حقوق بشر این نهاد در مورد مخاصمه آمریکا ، اسرائیل و ایران

(۱۱ مارس ۲۰۲۶ برابر با ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ شمسی)

انجمن بین المللی وکلا^۵ (IBA) و موسسه حقوق بشر این نهاد^۶ (IBAHRI) تشدید درگیری های مسلحانه در منطقه شرق مدیترانه [یعنی منطقه شامل لبنان و سرزمین های فلسطین اشغالی] و خلیج [فارس] را محکوم می کنند. امضاکنندگان این بیانیه نگرانی عمیق خود را نسبت به نقض های جدی و مداوم حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل متحد، و همچنین خطراتی که صلح و امنیت بین المللی را تهدید می کند، ابراز می دارند. انجمن بین المللی وکلا و موسسه حقوق بشر این نهاد خواستار پایان فوری تمامی خصومت ها و پایبندی دقیق همه طرف ها به حقوق بین الملل هستند.

این درخواست ها در پی حملات نظامی میان اسرائیل، ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران مطرح می شود؛ حملاتی که موجب بروز رویارویی منطقه ای گسترده ای شده و چندین کشور در منطقه خلیج [فارس] را تحت تأثیر قرار داده است.

انجمن بین المللی وکلا و موسسه حقوق بشر این نهاد دولت ایران را رژیم مقتدارگرا می دانند که مدت ها است به دلیل موارد مستند نقض حقوق بشر علیه مردم خود مورد انتقاد بوده است. نهادهای بین المللی و ناظران مستقل بارها گزارش هایی از نقض های سیستماتیک توسط مقامات ایرانی منتشر کرده اند، از جمله: کشتن غیرقانونی؛ شکنجه و

^۵. این نهاد از سوی منابع مختلف این گونه معرفی شده است: انجمن بین المللی وکلا (IBA) در سال ۱۹۴۷ اندکی پس از تأسیس سازمان ملل متحد، تأسیس شده با این اعتقاد که زمینه همکاری وکلا در سطح بین المللی و ارتقای حرفه وکالت در جهت اجرای عدالت را فراهم آورد. مقر مرکزی این نهاد در لندن انگلیس قرار دارد. دفاتر منطقه ای این انجمن در واشنگتن دی سی آمریکا، سئول کره جنوبی، سائوپا اولو برزیل مستقر می باشند.

^۶. از سوی انجمن بین المللی وکلا این نهاد این گونه معرفی شده: موسسه حقوق بشر انجمن بین المللی وکلا (IBAHRI)، که در سال ۱۹۹۵ تحت ریاست افتخاری بنیانگذار، نلسون ماندلا، تأسیس شد، هویتی مستقل است که برای ترویج، حفاظت و اجرای حقوق بشر تحت حاکمیت عادلانه قانون و حفظ استقلال قوه قضائیه و حرفه وکالت در سراسر جهان تلاش می کند. مقر این موسسه تابعه انجمن بین المللی وکلا در نیویورک واقع شده است.

رفتار غیرانسانی؛ سرکوب زنان و دختران؛ سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز و آزادی بیان؛ تبعیض علیه اقلیت‌ها؛ اعدام مخالفان سیاسی؛ و حمایت از گروه‌های مسلح نیابتی در سراسر منطقه^۷.

این بیانیه از اهمیت و وخامت واقعیت‌های مذکور نمی‌کاهد. نگرانی‌های دیرینه در حوزه حقوق بشر، بستری مهم برای درک شرایط فراهم می‌آورند، اما پرسش پیش روی جامعه جهانی این است که آیا راهکار انتخاب شده - یعنی حملات نظامی - قانونی است یا خیر.

مرحله کنونی درگیری در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد، زمانی که اسرائیل و ایالات متحده یک حمله نظامی مشترک علیه ایران انجام دادند. این حملات بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل و بدون حمله مسلحانه علنی ایران که به وضوح حق دفاع از خود را طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد ایجاد کند، انجام شد.

ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری - که معمولاً به عنوان تغییر اجباری نظام [سیاسی] شناخته می‌شود - که در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد آمده است، سنگ بنای نظم حقوقی بین‌المللی است. قانونی بودن استفاده از زور نمی‌تواند به ماهیت یا مشروعیت دولت مورد هدف بستگی داشته باشد.

اسرائیل و ایالات متحده با استناد به برنامه هسته‌ای ایران، سرکوب معترضان ضد دولتی و دهه‌ها درگیری‌های نیابتی در منطقه، سعی در توجیه حملات به دلایل دفاع از خود داشته‌اند. این توجیهات تحت بررسی دقیق حقوقی شکست می‌خورند.

^۷. بکارگیری این تعابیر که در واقع تکرار همان ادبیات دولت آمریکا و متحدان اروپایی اش است پس از پیروزی انقلاب اسلامی سالهاست که علیه ایران یا برخی جوامع دیگر غیر هم پیمان با غربی‌ها بکار می‌رود. این توصیفات از سوی آنها که به مرجعیت دولت‌های غربی باور دارند، عموماً پذیرفته شده است یا خود جزو شکل دهندگان به این تصویر سازی هستند، هم چنین از سوی بسیاری از افرادی که خود را قربانی سوء عملکرد مسئولان ایرانی معرفی می‌کنند بکارگیری این تعابیر مورد استقبال است. اما در نقطه مقابل، آنها که مرجعیت اعلام نظر دولت‌های غربی را قبول ندارند و بلکه آنها را از سردمداران نقض حقوق ملت‌ها در سراسر جهان و دارای پیشینه چند قرن استعمارگری و غارت ملت‌ها می‌دانند و تاکید دارند که دولت‌های غربی از مقوله حقوق بشر همواره استفاده ابزاری علیه دیگر ملت‌ها و برای اهداف خاص خود می‌کنند و هیچ باوری به آن ندارند و هر جا برای منافع سیاسی‌شان اقتضا کند از هر تجاوز و نسل‌کشی هم ابائی ندارند، این تعابیر مردود و حتی مسخره و مضحک تلقی می‌شود. البته باورمندان به این نگاه تاکید دارند که این امر به معنای نفی وجود اشکال در نظام حکمرانی ایران نیست همانگونه که در دیگر کشورها نیز اشکالات متعدد و بلکه به مراتب بیشتر، از منظر حقوق انسانی وجود دارد.

حقوق بین‌الملل دفاع از خود را فقط در پاسخ به یک حمله مسلحانه مجاز می‌داند. هرگونه استفاده‌ی پیش‌دستانه از زور باید با آزمون دقیق قریب‌الوقوع بودن - تهدیدی که «فوری»، فراگیر و بدون هیچ انتخاب وسیله‌ای و بدون لحظه‌ای برای تأمل» باشد - مواجه شود؛ معیاری که از حادثه‌ی کارولین در سال ۱۸۳۷ گرفته شده است. اقدام نظامی که برای خنثی کردن تهدیدهای فرضی یا بلندمدت - که اغلب به عنوان نیروی پیشگیرانه توصیف می‌شود - انجام می‌شود، هیچ مبنای پذیرفته‌شده‌ای در حقوق بین‌الملل ندارد.

در ۱ مارس ۲۰۲۶، ایران با حملات موشکی و پهپادی به اسرائیل و چندین کشور میزبان پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در منطقه خلیج [فارس] پاسخ داد. این درگیری از آن زمان به چندین جبهه از جمله بحرین، عراق، کویت، لبنان، عمان، قطر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی گسترش یافته و نگرانی‌ها از یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر را افزایش داده است. تا جایی که زور متوجه کشورهایی شده است که در حملات اولیه دخیل نبوده‌اند، چنین اقداماتی نگرانی‌های جدی را نیز تحت ممنوعیت استفاده از زور ایجاد می‌کند.

آسیب به غیرنظامیان و جنایات جنگی بالقوه

هزینه انسانی در حال حاضر بسیار زیاد است. طبق گزارش‌های جمعیت هلال احمر ایران، بیش از ۱۳۰۰ نفر پس از حملات اولیه در ایران کشته شده‌اند. طبق گزارش‌ها، این شامل بیش از ۱۶۵ نفر کشته شده در حمله به یک مدرسه ابتدایی دخترانه در میناب می‌شود که گفته می‌شود بسیاری از قربانیان آن کودک بوده‌اند. حملات تلافی‌جویانه همچنین منجر به مرگ و زخمی شدن چندین غیرنظامی در سراسر منطقه شده است.

امضاکنندگان زیر خاطرنشان می‌کنند که همه طرف‌های درگیر در این مخاصمه ملزم به رعایت منشور سازمان ملل و موازین قابل اجرا در حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند. موازین حاکم بر درگیری‌های مسلحانه، از جمله اصول "ضرورت"، "تفکیک" و "تناسب"، تعهدات اساسی را برای محافظت از غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی وضع می‌کنند. حملاتی که بین اهداف نظامی و غیرنظامیان تمایز قائل نمی‌شوند، یا باعث آسیب غیرنظامیان می‌شوند که با مزیت نظامی پیش‌بینی شده متناسب نیست، طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع است. چنین حملاتی ممکن است جنایات جنگی محسوب شوند و باید تحت تحقیقات سریع، مستقل و بی‌طرفانه قرار گیرند و مسئولان ارتکاب چنین اقداماتی [مطابق با حقوق بین‌الملل پاسخگو باشند].

قطع ارتباطات - نقض آزادی بیان

قطع ارتباطات تقریباً کامل که توسط مقامات ایرانی در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، ظرف چند ساعت پس از اولین حملات هوایی اسرائیل و ایالات متحده اعمال شد، نگرانی‌های بیشتری را در مورد ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) که از حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات محافظت می‌کند، ایجاد می‌نماید.^۸ علاوه بر این، از آنجایی که اطلاعاتی‌های تخلیه‌ای [اماکن] یا هشدارهای حملات اغلب از طریق پلتفرم‌های دیجیتال صادر می‌شوند، غیرنظامیان ممکن است هیچ وسیله قابل اعتمادی برای دانستن اینکه آیا در مسیر یک حمله قریب‌الوقوع هستند یا اینکه عزیزانشان در امان هستند، نداشته باشند. چنین محدودیت‌هایی احتمالاً نه تنها عواقب شدید انسانی و روانی برای جمعیت ۹۰ میلیونی کشور ایجاد خواهد کرد، بلکه مانع مستندسازی نقض حقوق بشر نیز خواهد شد.

ما از مقامات ایرانی می‌خواهیم که اطمینان حاصل کنند که درگیری فعلی به عنوان بهانه‌ای برای تشدید سرکوب تحت پوشش امنیت ملی استفاده نشود.

« فراخوان کاهش فوری تنش و پاسخگویی »

انجمن بین‌المللی وکلا و مؤسسه حقوق بشر این نهاد خواستار موارد زیر هستند:

- توقف فوری استفاده غیرقانونی از زور توسط همه طرف‌ها؛
- رعایت دقیق منشور سازمان ملل و موازین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر توسط همه طرف‌ها؛
- تحقیقات مستقل در خصوص موارد نقض [حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و سایر موازین بین‌المللی] و

^۸. توجه به این نکته حائز اهمیت است که محدودسازی اینترنت در شرایط خاص، دو گونه تفسیر می‌شود: بر اساس یک تفسیر حقوقی، هر گاه دولتی برابر ارزیابی‌های امنیتی و در شرایط خاص جنگ یا سایر وضعیت‌های اضطراری تشخیص دهد که باید محدودیت‌هایی را از حیث صیانت از امنیت ملی و آرامش جامعه خود بر اینترنت معمول دارد، می‌تواند به صورت موقت این دسترسی را با رعایت شرایط حقوقی لازم تعلیق نماید. اما در تفسیر دیگر که عمدتاً از سوی دولت‌های بهره‌مند از اینترنت برای پیشبرد اهداف خود علیه جامعه مورد هدف مطرح می‌شود، این حق برای آنها محفوظ است که گزینشی برخورد کرده و در خصوص هر گونه محدودیت در جامعه مورد هدف خود اعتراض کنند تا بتوانند اهداف خود را به اجرا در آورند. این تفسیر دوم معمولاً از سوی دولت آمریکا و متحدان مورد حمایت قرار می‌گیرد البته در خصوص وضعیت داخلی کشور خودشان تفسیر دیگری دارند و هر گاه لازم باشد محدودیت‌ها یا دخالت‌هایی را معمول می‌دارند. ضمناً در سطح جهانی، تصویب کنوانسیون جرایم سایبری در دسامبر سال ۲۰۲۴ نیز باعث نشد که ارتکاب جرایم از طریق اینترنت علیه دولتهای مختلف متوقف شود. (توضیح افزوده بر متن)

- از سرگیری فوری مذاکرات دیپلماتیک [در راستای پایان جنگ و برقراری صلح و ثبات]

صلح و امنیت پایدار را نمی‌توان از طریق چرخه‌های تلافی‌جویی به دست آورد. آنها مستلزم پابندی به موازین بین‌المللی، حفاظت از غیرنظامیان، پاسخگویی در قبال موارد نقض و دیپلماسی واقعی با حسن نیت هستند.

[امضا کنندگان بیانیه:]

کلودیو ویسکو، رئیس انجمن بین‌المللی وکلا / دکتر مارک الیس، مدیر اجرایی انجمن بین‌المللی وکلا

مارک استفنز، رئیس مشترک مؤسسه حقوق بشر انجمن بین‌المللی وکلا / هینا جیلانی، رئیس مشترک مؤسسه حقوق

بشر انجمن بین‌المللی وکلا / بارونس هلنا کندی، مدیر اجرایی مؤسسه حقوق بشر انجمن بین‌المللی وکلا

.....

شایان ذکر است انجمن بین‌المللی وکلا در مورخ ۲۶ می ۲۰۲۶ در پایگاه اطلاع رسانی خود نوشتاری در مورد تجاوز به ایران با عنوان «جنگ ترامپ رئیس جمهور» را نیز منتشر کرده که به قلم ویلیام روبرتز رابط خبری انجمن در آمریکا نگاشته شده است.

بیانیه اتحادیه ملی وکلا [آمریکا] در محکومیت تجاوز غیرقانونی مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران

(منتشر شده در ۱۳ مارس ۲۰۲۶ برابر با ۲۲ اسفند ۱۴۰۴ شمسی)

اتحادیه ملی وکلای [آمریکا]^۹ (NLG) به [موضوع] انجمن بین‌المللی وکلای دموکراتیک (IADL) در محکوم کردن با شدیدترین عبارات حمله مشترک ایالات متحده و اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران، که صبح روز شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ و هم‌زمان با ماه مبارک رمضان آغاز شد، می‌پیوندد.

این حملات نمونه‌ای دیگر از «جنایت تجاوز» محسوب می‌شوند و نقض آشکار بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و اصول حاکمیت، تمامیت ارضی کشورها، حسن همجواری و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات هستند. حقوق بین‌الملل به وضوح هم استفاده از زور و هم تهدید به استفاده از زور علیه تمامیت ارضی هر کشوری را ممنوع می‌کند، و همچنین واضح است که ایالات متحده و اسرائیل عمیقاً این اصول را نادیده گرفته و تحقیر می‌کنند.

این حملات همچنین قانون اساسی ایالات متحده را نقض می‌کنند. رئیس‌جمهور آمریکا به صورت یک‌جانبه و غیرقانونی - بدون مجوز کنگره و در غیاب هر گونه تهدید قریب‌الوقوع علیه آمریکا - اقدام کرده است. با این حال، باید به ناکامی و عدم تمایل کنگره آمریکا برای واکنش به دیگر اقدامات خصمانه بدون مجوز ترامپ در ایران یا هر جای دیگر نیز اشاره کرد. همان‌گونه که بسیاری نیز اشاره کرده‌اند، بیش از ۵۰ عضو کنگره در شرکت‌های دفاعی سرمایه‌گذاری دارند و به‌طور مستقیم از این جنگ‌های غیرقانونی سود می‌برند.

^۹ - اتحادیه ملی وکلا (NLG) در آمریکا این گونه معرفی شده است: این نهاد یک انجمن مترقی منافع عمومی متشکل از وکلا، دانشجویان حقوق، دستیاران حقوقی، وکلای زندان، اعضای گروه حقوقی و سایر فعالان حقوقی در ایالات متحده است. این گروه در سال ۱۹۳۷ به عنوان جایگزینی برای انجمن وکلای آمریکا (ABA) و در اعتراض به شیوه‌های عضویت انحصاری و جهت‌گیری سیاسی محافظه‌کارانه آن سازمان تأسیس شد. آنها اولین انجمن وکلای آمریکایی بودند که عمدتاً سفیدپوست بودند ولی اقلیت‌های رنگین‌پوست را نیز به صفوف خود پذیرفتند. این گروه در پی آن بود که وکلای بیشتری را به جنبش کارگری و فعالیت‌های سیاسی مترقی (مثلاً جنبش حزب کشاورز-کارگر) نزدیک کند، از وکلایی که در غیر این صورت "منزوی و دلسرد" بودند حمایت و تشویق کند و به ایجاد یک "جبهه متحد" علیه فاشیسم کمک کند. این سازمان پس از تشکیل در سال ۱۹۳۷، هدف خود را ارائه جایگزینی مترقی و نژادی برای ABA قرار داد. اندکی پس از آن، نیودیلرها (New Dealers) و آزادی‌خواهان/لیبرترین‌های مدنی از این سازمان جدا شدند و آن را چپ‌گراتر کردند. این نهاد هم‌اینک در ۲۰ زمینه کمیته و کارگروه و طرح اقدام دارد.

نه ایالات متحده و نه اسرائیل تلاش نکرده‌اند این واقعیت را پنهان کنند که این تجاوز با هدف تسهیل تغییر رژیمی انجام می‌شود که با اهداف آنان برای تسلط کامل نظامی، اقتصادی و سیاسی بر کل منطقه غرب آسیا سازگار باشد، و نیز برای محروم کردن مردم فلسطین- که تحت اشغال و در معرض یک نسل‌کشی مداوم قرار دارند- از حمایت لازم برای مقاومت و رهایی از این اشغال غیرقانونی.

این موضوع ما را به جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵، به عنوان نمونه‌ای دیگر از تجاوز غیرقانونی توسط همین طرف‌ها علیه ایران، یادآوری می‌کند که اتحادیه ملی و کلای آمریکا و انجمن بین‌المللی و کلای دموکراتیک نیز آن را به شدت محکوم کردند. نبود مداوم پاسخگویی یا پیامدهای معنادار برای مسئولان [تجاوز گری]، نه تنها به تداوم جنگ افروزی و تخریب دامن زده، بلکه فرهنگی از مصونیت از مجازات ایجاد کرده که عملاً به همدستی [در ارتکاب جنایت] می‌انجامد.

بار دیگر خاطرنشان می‌کنیم که مذاکراتی که ادعا می‌شد برای دستیابی به راه‌حلی مسالمت‌آمیز یا رسیدگی به موضوع توسعه هسته‌ای انجام می‌شود، به عنوان پوششی برای کاهش آمادگی دفاعی ایران مورد استفاده قرار گرفت- چنان‌که پیش‌تر نیز در زمینه حمله به عراق مشاهده شد. مقامات اسرائیلی آشکارا اعلام کرده‌اند که این حمله را طی ماه‌ها و هفته‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند، یعنی در بازه‌ای طولانی‌تر از هر یک از دوره‌های مذاکرات. چنین تجاوزی نه تنها سوءنیت ایالات متحده و اسرائیل را برجسته می‌کند، بلکه کشورها را از مشارکت در مذاکرات صلح نیز دلسرد می‌سازد، زیرا روشن شده است که این کشورها چنین مذاکراتی را صرفاً راهی برای خرید زمان تا آغاز تجاوزی جدید می‌دانند.

این تجاوز کمتر از دو ماه پس از حمله آمریکا به ونزوئلا و ربایش غیرقانونی رئیس‌جمهور و همسر او رخ داده و در حالی صورت می‌گیرد که تهدیدهای جنگی و محاصره نفتی علیه کوبا ادامه دارد. این بی‌اعتنایی کامل به روند مذاکرات، تنها به گسترش تسلیحات هسته‌ای در سراسر جهان دامن می‌زند؛ همچنین یادآور می‌شویم که ایالات متحده بزرگ‌ترین ذخایر سلاح‌های هسته‌ای جهان را در اختیار دارد و تنها کشوری است که از آن‌ها استفاده کرده است. افزون بر این، اسرائیل یک قدرت هسته‌ای اعلام‌نشده است که به‌طور مداوم بر اساس توان هسته‌ای خود تهدید می‌کند.

همچنین یادآور می‌شویم که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، همچنان موضوع حکم بازداشت صادرشده توسط دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است، در حالی که به جنگ و تجاوز مداوم علیه

مردم فلسطین- که هدف نسل کشی قرار گرفته‌اند- و همچنین لبنان، سوریه و اکنون بار دیگر ایران ادامه می‌دهد. این تجاوز ادامه تجاوز غیرقانونی سال گذشته و بخشی از یک کارزار خصمانه مستمر و عامدانه طی بیش از ۴۶ سال است که شامل تحریم‌هایی برای نابودی اقتصاد ایران، عملیات هماهنگ جنگ سایبری، ترورهای هدفمند و اقدامات خرابکارانه نظام‌مند بوده است.

ما از تمامی کشورها می‌خواهیم که مطابق با تعهدات خود در حقوق بین‌الملل، تمامی کمک‌های لازم را به جمهوری اسلامی ایران، فلسطین و سایر کشورهایی که هدف تجاوز غیرقانونی ایالات متحده و اسرائیل قرار گرفته‌اند، ارائه دهند و نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل از جمله نسل‌کشی را محکوم کنند. تأکید می‌کنیم که این تجاوز نه تنها تهدیدی برای مردم و کشورهای منطقه غرب آسیا، بلکه تهدیدی برای آینده چندجانبه‌گرایی، حقوق بین‌الملل و تمامیت ارضی کشورها است. ایران، به عنوان یک کشور مستقل، حق روشن و مشروع دفاع از خود در برابر این تجاوز غیرقانونی را دارد. از همه کشورها می‌خواهیم فوراً تحریم تسلیحاتی علیه اسرائیل و آمریکا اعمال کنند، سفرای خود را فراخوانند و اقدامات حقوقی برای پاسخگو کردن مقامات نظامی و سیاسی آن‌ها دنبال کنند.

نمی‌توان تنها به دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی برای پایان دادن به این تجاوز اتکا کرد. ما از تمامی حامیان عدالت، حاکمیت، صلح و حقوق بین‌الملل می‌خواهیم در تظاهرات و اقدامات گسترده علیه تجاوز به ایران شرکت کنند و با ایجاد فشار مردمی، به پایان این تجاوز کمک نمایند. همچنین از تمامی سازمان‌های حقوقی، وکلا و نهادهای حقوق بشر می‌خواهیم از سازوکارهای داخلی و بین‌المللی برای پاسخگو کردن مقامات و نیروهای اسرائیلی و آمریکایی به‌خاطر این تجاوز غیرقانونی علیه ایران و اقدامات آن‌ها در فلسطین استفاده کنند، و نیز از سازمان‌دهندگان و جنبش‌های اجتماعی در برابر سرکوب دولتی به دلیل تلاش‌هایشان برای پایان دادن به جنگ و نسل‌کشی حمایت نمایند.

کارگروه حقوق نظامی (MLT) اتحادیه ملی و کلای آمریکا به اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده یادآوری می‌کند که آن‌ها حق و وظیفه دارند در برابر دستورات غیرقانونی مقاومت کرده و از اجرای آن‌ها خودداری کنند. این کارگروه متعهد می‌شود از کسانی که چنین می‌کنند حمایت کند و همچنین از نیروهایی که علیه این جنگ فاجعه‌بار اعتراض کرده یا در برابر آن می‌ایستند، پشتیبانی نماید.

.....الحاقیه بیانیه فوق:

بیانیه خاص کارگروه حقوق نظامی (MLTF) اتحادیه ملی وکلا [آمریکا] در مورد حمله به ایران

این کارگروه به طور قاطع حمله بی دلیل آمریکا/اسرائیل به ایران را محکوم می کند

این اقدام [تجاوز به ایران] نقض فاحش حقوق بین الملل و قانون اساسی ایالات متحده است.

ایران کشوری مستقل و عضو سازمان ملل متحد است، همان گونه که ایالات متحده نیز عضو این سازمان است. منشور سازمان ملل یک معاهده است که طبق ماده ششم قانون اساسی آمریکا «عالی ترین قانون کشور» محسوب می شود. بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل تصریح می کند: «کلیه اعضا در روابط بین المللی خود از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت، یا از هر اقدام دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد ناسازگار باشد، خودداری خواهند کرد».

این اقدام تجاوزکارانه طبق حقوق بین الملل یک جنایت محسوب می شود و زمانی رخ می دهد که کشوری، مانند مورد حاضر، به کشوری دیگر که تهدیدی متوجه آن نکرده است حمله کند و این اقدام در چارچوب دفاع مشروع در برابر حمله انجام نشده باشد.

اگر همان گونه که رئیس جمهور ترامپ اعلام کرده بود، برنامه تسلیحات هسته ای ایران بیش از شش ماه پیش در اقدام غیرقانونی دیگری [یعنی تجاوز ۱۲ روزه] «به طور کامل نابود شده» باشد، هیچ توجیهی برای این حمله وجود ندارد.

یادآور می شویم که طی بیش از دو دهه گذشته، نتانیاهو بارها ادعا کرده بود که ایران تنها چند هفته تا دستیابی به سلاح هسته ای فاصله دارد. با این حال، این ادعاها نادرست بودند؛ و حتی اگر هم درست می بودند، در زمان وقوع حمله کنونی، روندی برای دستیابی به یک راه حل در حال مذاکره بود.

همچنین به نیروهای مسلح ایالات متحده یادآوری می کنیم که حق و وظیفه دارند در برابر دستورات غیرقانونی مقاومت کرده و از اجرای آن ها خودداری کنند. ما حمایت کامل خود را از کسانی که چنین می کنند، و نیز از نظامیانی که به این جنگ فاجعه بار اعتراض کرده یا در برابر آن می ایستند، اعلام می داریم.

اطلاع رسانی انجمن وکلای آمریکا^{۱۰} در مورد جلسه ای راجع به جنگ ایران

(۳۰ مارس ۲۰۲۶ برابر با ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ شمسی)

انجمن وکلای آمریکا (American Bar Association) که خط مشی آن از دهه ها قبل مورد برخی انتقادات جامعه حقوقی در آمریکا قرار گرفته و منجر به خروج و انشعاب طیفی از وکلا از این نهاد و ایجاد اتحادیه ملی وکلا در آمریکا و شکل گیری برخی نهادهای حقوقی دیگر شده است، در مورد تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران از جمله جنایت رقت برانگیز هدف قراردادن مدرسه شجره طیبه میناب یا دیگر جنایات غیر انسانی علیه ملت ایران، بیانیه مستقلی صادر نکرد اما در مورخ سی مارس ۲۰۲۶ در پایگاه اطلاع رسانی خود اعلام داشت که در مورخ دوم آوریل ۲۰۲۶ برابر با ۱۳ فروردین ۱۴۰۵ شمسی با حضور برخی از کارشناسان برجسته سیاستگذاری و امنیت ملی و امور قانونی، نشست علمی را با عنوان «جنگ با ایران، سیاست نظامی و چشم اندازهای قانونی» در واشنگتن برگزار می کند.

در اطلاعیه مزبور موارد زیر اعلام شده بود:

این نشست، جنگ علیه ایران را از منظر نظامی، سیاستگذاری و حقوقی بررسی می کند.

ارائه کنندگان بحث در این نشست عبارتند از:

James E. Baker, director, Syracuse University Institute for Security Policy and Law;
retired Vice Admiral Robert Murrett,

professor of practice, Department of Public Administration and International
Affairs and deputy director, Institute for Security Policy and Law

^{۱۰} انجمن وکلای آمریکا (ABA) از سوی منابع مختلف این گونه معرفی شده است: یک انجمن متشکل از وکلا و دانشجویان حقوق در ایالات متحده که در سال ۱۸۷۸ تأسیس شده است. عضویت در این نهاد داوطلبانه است. این نهاد فعالیت های اعلام شده خود را تعیین برخی استانداردهای دانشگاهی برای دانشکده های حقوق و تدوین کدهای اخلاقی نمونه مربوط به حرفه وکالت اعلام کرده است. دفتر مقر مرکزی این سازمان در شیکاگو، ایلینوی است و یک دفتر شعبه نیز در واشنگتن دی سی دارد. از سوی برخی رسانه ها اعلام شده که یک سوم وکلای شاغل در آمریکا که جمعا حدود یک میلیون و سیصد هزار نفر هستند در سال ۲۰۲۵ در این نهاد عضویت داشته اند. انجمن مزبور از سال ۱۹۵۲ یک نهاد تحقیقاتی بین رشته ای با عنوان بنیاد وکلای آمریکا (The American Bar Foundation (ABF) را نیز ایجاد کرده است.

Elisa Ewers, senior national security advisor and foreign policy expert and a senior fellow on the Council on Foreign Relations.

شایان ذکر است نهاد یاد شده پس از زمان برگزاری نشست اعلامی فوق، هیچ گزارشی از جلسه را منتشر نکرده و در واقع حرف قابل ارائه ای برای افکار عمومی آمریکا و دیگر کشورهای جهان در قبال جنایت دولت آمریکا و اسرائیل علیه ملت ایران نداشته است. این نحوه مواجهه حقوقی با موضوع جنایات دولت آمریکا در سراسر جهان، البته در سابقه فعالیت این نهاد امر بی سابقه ای نیست و شناخته شده می باشد.

ضمناً نهاد دیگری هم در آمریکا فعالیت می کند با عنوان «**نهاد وکلای ایرانی - آمریکایی**» (IABA) که در واقع متشکل از ایرانی تبارهایی است که هم اینک شهروند آمریکا هستند و به وکالت اشتغال دارند. این نهاد نیز در خصوص تجاوز رمضان آمریکا و اسرائیل علیه ایران هیچ موضعگیری نداشت. این سکوت در قبال جنایات دولت آمریکا در حالی انجام شد که این نهاد برابر گزارش منتشره در سایت خود، در مورخ ۱۵ ژانویه ۲۰۲۶ بیانیه ای در حمایت از ناآرامی های دیمه ۱۴۰۴ در ایران با عنوان همبستگی با مردم ایران صادر کرده است، هم چنین در مورخ ۲۵ مارس ۲۰۲۶ بیانیه ای در همراهی با تحرک برخی نهادهای داخل آمریکا صادر کرده که ضمن آن از قانونگذاران ایالات متحده آمریکا خواسته شده به موضوع رفع موانع اینترنت در ایران کمک کنند.

البته نهاد مزبور در ۱۹ ژوئن ۲۰۲۵ برابر با ۲۹ خردادماه ۱۴۰۴ یعنی در خلال جنگ ۱۲ روزه و در زمانی که فقط اسرائیل به ایران تجاوز کرده بود و هنوز آمریکا رسماً وارد جنگ نشده بود، بیانیه ای با محتوای زیر صادر کرده اند:

«بیانیه مطبوعاتی کانون وکلای ایرانی-آمریکایی در مورد مناقشه اسرائیل و ایران»

«کانون وکلای ایرانی-آمریکایی (IABA) نگرانی و هشدار عمیق خود را در مورد حملات نظامی اسرائیل به ایران و تشدید درگیری بین دو کشور ابراز می کند. کانون وکلای ایرانی-آمریکایی به عنوان سازمانی از متخصصان حقوقی متعهد به دفاع از حاکمیت قانون، هرگونه استفاده از زور که ناقض موازین بین المللی باشد و جان غیرنظامیان را به خطر بیندازد، از جمله تجاوز نظامی غیرقابل توجیه را محکوم می کند. ما از همه دولت ها می خواهیم که به تعهدات خود تحت منشور سازمان ملل متحد و حقوق بشردوستانه بین المللی، از جمله اصول حاکمیت، ضرورت، تناسب و حفاظت از غیرنظامیان، احترام بگذارند.

در مواقع تشدید درگیری، مهم است به یاد داشته باشیم که مردم یک ملت از اقدامات واقعی یا فرضی دولت خود متمایز هستند. ما به ویژه از اظهارات برخی از مقامات آمریکایی که به نظر می رسد حملات نظامی اسرائیل را تأیید

می‌کنند، نگران هستیم. چنین اظهاراتی نه تنها اصول قانون، بلکه هزینه‌های انسانی برای ایرانیان عادی و آمریکایی‌های ایرانی‌تبار را نیز نادیده می‌گیرد و کلیشه‌های مضر را که بر جامعه جهانی ایرانیان تأثیر می‌گذارد، بیشتر تقویت می‌کند.

ما از همه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌خواهیم که به جای توسل به خشونت، اولویت را به کاهش تنش از طریق ابزارهای قانونی و دیپلماتیک بدهند و اطمینان حاصل کنند که پاسخگویی معناداری برای هرگونه نقض هنجارهای بین‌المللی وجود دارد. ما همچنان این وضعیت را از نزدیک زیر نظر خواهیم داشت و از جامعه خود حمایت خواهیم کرد.

این بیانیه منعکس کننده موضع IABA به عنوان یک سازمان است و بیانگر دیدگاه‌های شخصی هیچ عضو یا شعبه‌ای نیست، مگر اینکه به طور خاص مورد تأیید قرار گیرد».



بیانیه انجمن وکلای شهر نیویورک^{۱۱} (NYCBA) در خصوص اقدام نظامی ایالات متحده علیه ایران

(منتشر شده در ۲۷ آوریل ۲۰۲۶ برابر با ۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی)

در تاریخ ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، ایالات متحده بدون اخذ مجوز لازم از کنگره یا شورای امنیت سازمان ملل متحد، به اسرائیل در آغاز یک عملیات نظامی گسترده علیه ایران پیوست. ادر هفته‌های پس از آن، جنگ به بخش بزرگی از منطقه وسیع خلیج [فارس] گسترش یافته است. انجمن وکلای شهر نیویورک استفاده غیرقانونی از زور را محکوم می‌کند، نگرانی شدید خود را نسبت به تشدید مخاصمات در منطقه خلیج فارس ابراز می‌دارد و خواستار رعایت فوری قوانین اساسی، قوانین موضوعه و حقوق بین‌الملل حاکم بر استفاده از نیروی مسلح است. این انجمن از تمامی طرف‌های درگیر در مخاصمه، از جمله ایران و اسرائیل، می‌خواهد که به‌طور کامل به حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بشردوستانه بین‌المللی، پایبند باشند و از هر اقدامی که خطر آسیب بیشتر به غیرنظامیان را افزایش دهد، خودداری کنند.

آغاز مخاصمه مسلحانه؛

«جنگ ذاتاً مجموعه‌ای محاسبه شده از قتل‌ها، تخریب اموال و اعمال سرکوبگرانه است. چنین اعمالی بدون تردید جنایت محسوب می‌شوند، مگر آنکه حقوق بین‌الملل در چارچوب [موازین پذیرفته شده مربوط به] جنگ مشروع، پوششی حمایتی بر اعمالی که در غیر این صورت جنایت بودند، بیفکند.»

این سخنان را قاضی رابرت جکسون در گزارش نهایی خود به رئیس جمهور [وقت آمریکا] هری ترومن پس از موفقیت دادگاه نورنبرگ بیان کرد. دو نسل بعد، این سخنان هشداردهنده همچنان طنین‌انداز است. از آنجا که آغاز جنگ تصمیمی است با پیامدهای ویرانگر و سنگین؛ قانون و مصلحت اقتضا می‌کند که چنین تصمیمی پس از بررسی دقیق و با تصویب مشخص کنگره اتخاذ شود تا مشروعیت آن تثبیت گردد. این امر در جنگ ایالات متحده علیه ایران رعایت نشده است.

مشروعیت استفاده از زور به ماهیت یا ویژگی‌های حکومتی که هدف قرار می‌گیرد وابسته نیست.^{۱۱} دولت ایران مرتکب نقض‌های شدید و نظام‌مند حقوق بشر شده است؛ از جمله قتل‌های غیرقانونی، تبعیض علیه زنان و اقلیت‌ها، سرکوب آزادی‌های بنیادین و حمایت از فعالیت‌های تروریستی بین‌المللی^{۱۲}. در طول ۲۵ سال گذشته، انجمن وکلای شهر

^{۱۱} انجمن مزبور ذیل بیانیه حاضر، خود را چنین معرفی کرده است: «مأموریت انجمن وکلای شهر نیویورک – که در سال ۱۸۷۰ تأسیس شده و بیش از ۲۰ هزار عضو دارد – تجهیز و بسیج جامعه متنوع حقوقی برای فعالیت حرفه‌ای ممتاز، ترویج اصلاحات قانونی و پاسداری از حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت در راستای حمایت از جامعه‌ای عادلانه و منافع عمومی در جامعه محلی، کشور و سراسر جهان است.»

^{۱۲} این ادبیات که در واقع تکرار همان ادبیات دولت آمریکا و برخی از متحدان آمریکاست طبیعتاً برای آنها که تحت تأثیر داوری آمریکایی و مرجعیت آن هستند، یک جور مورد قضاوت قرار می‌گیرد و متقابلاً از سوی آنها که آمریکا و متحدان و حقوق‌بگیرانش را سر دسته تروریست‌های

نیویورک به طور مستمر از مدافعان و کنشگران حقوق بشر در ایران حمایت کرده است، از جمله درخواست آزادی کسانی که به دلیل فعالیت‌هایشان توسط حکومت زندانی شده‌اند.ⁱⁱⁱ این انجمن همچنین نقض حقوق اقلیت‌های^{۱۳} جنسی^{iv} و حملات علیه استقلال حرفه و کالت^v را محکوم کرده و سال گذشته نشستی به صورت عمومی درباره خطراتی که وکلای شاغل در ایران با آن روبه‌رو هستند برگزار کرده است.^{vi}

در تمامی این بیانیه‌ها و برنامه‌ها، انجمن همواره از حاکمیت حقوق بین‌الملل و حق مردم ایران برای برخورداری از حقوق بشر و کرامت انسانی دفاع کرده است. سوءاستفاده‌ها و نقض‌های دولت ایران به‌درستی از سوی جامعه بین‌المللی محکوم شده و منجر به تحریم‌های چندجانبه و یک‌جانبه مستمر گردیده است. نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران نیز موضوع تلاش‌های دیپلماتیک همراه با تحریم‌های شدید بوده است. با این حال، هیچ‌یک از این ملاحظات، مبنای قانونی برای استفاده ایالات متحده از زور خارج از چارچوب‌های حقوقی معتبر فراهم نمی‌کند. در نتیجه، **مخاصمه کنونی هم ناقض قانون اساسی ایالات متحده و هم ناقض حقوق بین‌الملل حاکم بر توسل به زور است.**

ابعاد و گستره عملیات نظامی ایالات متحده نشان می‌دهد که این استفاده از زور، در معنای قانون اساسی آمریکا، مصداق جنگ است.^{vii} قانون اساسی [ایالات متحده آمریکا] اختیار تصمیم‌گیری درباره ورود کشور به جنگ را نه به رئیس‌جمهور، بلکه به کنگره واگذار کرده است. این امر به دلایل مهم مبتنی بر احتیاط و تدبیر صورت گرفته است. ^{viii} هرچند کنگره تنها در پنج جنگ (در یازده مصوبه جداگانه) رسماً اعلان جنگ کرده، اما از زمان جنگ جهانی دوم، این اختیار از طریق مجوزهای قانونی استفاده از زور عملی شده است؛ از جمله مجوز استفاده از نیروی نظامی سال ۲۰۰۱ پس از حملات ۱۱ سپتامبر و مجوز جنگ عراق در سال ۲۰۰۲.^{ix}

در غیاب مجوز کنگره، رئیس‌جمهور صرفاً در محدوده‌ای بسیار محدود و در مقام فرمانده کل قوا اختیار اقدام یک‌جانبه دارد؛ یعنی در موارد دفاع ملی، پاسخ به حملات مسلحانه، یا مقابله با تهدیدات قریب‌الوقوعی که فوری و اجتناب‌ناپذیر باشند و هیچ راه جایگزینی باقی نگذارند.^x نامه ۲ مارس رئیس‌جمهور ترامپ به کنگره – که برای اجرای الزام قانون اختیارات جنگی در خصوص اطلاع‌رسانی به کنگره ارسال شد – این شرایط محدود قانون اساسی را برآورده نمی‌کند. این نامه هیچ تهدید قریب‌الوقوعی علیه ایالات متحده یا نیروهای آن را توصیف نکرده و توضیح

دنیا و آدم کش‌ها و جنایتکاران می‌شناسند، جور دیگر مورد قضاوت واقع می‌شود و چه بسا این بیان را تکرار برچسب زنی‌های سیاسی آمریکایی‌ها به ایران تفسیر کنند که از ابتدای انقلاب اسلامی به شکلهای مختلف مورد کاربرد قرار رفته است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۳} فارغ از مصداق بیانیه یاد شده، شایان ذکر است اغلب دولت‌های غربی و نهادهای مدنی همفکر آنها چند سالی است که تلاش دارند تا گرایش‌های مختلف جنسی و هویت‌های جنسیتی که به صورت نامحدود مستمراً از سوی آنها در حال توسعه است را در سراسر جهان ترویج دهند و علاوه بر آن واژه «اقلیت» را نیز به آنها ملحق کنند تا بتوانند حمایت‌های حقوقی از اقلیت‌ها را نیز در این حوزه بکار گیرند و هر کشوری که این برداشت را قبول نداشت را به نقض حقوق اقلیت‌ها نیز محکوم کنند. این در حالی است که قلمرو حقوق اقلیت‌ها به کلی چارچوب متفاوتی دارد. همین واقعیت موجب شده که دولتهای متعددی با این روند تفسیری غربی‌ها مخالفت کنند. (توضیح افزوده بر متن)

قانع‌کننده‌ای درباره علت اجرای حمله بدون مجوز قبلی کنگره ارائه نمی‌دهد.^{xi} در تمامی شرایط دیگر، رئیس‌جمهور باید پیشاپیش مجوز کنگره را دریافت کند.

الزام به کسب مجوز کنگره برای استفاده از زور، کارکردی اساسی در نظام دموکراتیک آمریکا دارد: این الزام رئیس‌جمهور را وادار می‌کند تا هم کنگره و هم افکار عمومی را درباره ضرورت قانع‌کننده اعزام نیروها به جنگ متقاعد کند و هدف آن جنگ را برای مردم توضیح دهد. این محدودیت بر اقدامات شتاب‌زده یا غیرمدرانه قوه مجریه، بازتاب درک بنیان‌گذاران آمریکا از این واقعیت است که بار جنگ نه بر دوش تصمیم‌گیرندگان، بلکه بر دوش کسانی قرار می‌گیرد که به خدمت فراخوانده می‌شوند و نیز بر کل ملت تحمیل می‌شود. همان‌گونه که جیمز مدیسون اظهار داشت، قوه مجریه نهادی است که «بیش از هر شاخه دیگری به جنگ علاقه‌مند و مستعد آن است»، و دقیقاً به همین دلیل تصمیم آغاز خصومت‌ها به قوه مقننه سپرده شد.

اکنون کنگره باید مسئولیت‌های قانون اساسی خود را به‌طور فعال ایفا کند؛ از جمله از طریق به بحث گذاشتن و رأی‌گیری درباره [عدم] ادامه استفاده از زور و در صورت لزوم، جلوگیری از تأمین مالی اقدامات نظامی فاقد مجوز.^{xii} [همچنین، لازم به ذکر است] صرف عدم تصویب قانونی برای توقف جنگ، به معنای اعطای مجوز نیست.^{xiii}

قانون امنیت ملی سال ۱۹۴۷ این ساختار مبتنی بر بررسی و مشورت را در قالب قانونی تثبیت کرد و از طریق شورای امنیت ملی، فرآیندی هماهنگ میان نهادهای اطلاعاتی، دفاعی، حقوقی و دیپلماتیک برای مشاوره به رئیس‌جمهور ایجاد نمود.^{xiv} همچنین مدیر اطلاعات ملی – سازوکاری که پس از حملات ۱۱ سپتامبر تأسیس شد – وظیفه هماهنگی اطلاعات را بر عهده دارد تا تصمیمات بر پایه بررسی‌های جامع داخلی اتخاذ شوند.^{xv} این ارزیابی‌های داخلی قرار است با کنگره نیز به اشتراک گذاشته شوند؛ نهادی که کمیته‌های اطلاعاتی، نیروهای مسلح و امور خارجی آن بر تأمین بودجه و اجرای قانونی سیاست امنیت ملی، از جمله اداره جنگ، نظارت می‌کنند.^{xvi}

مشورت محرمانه و نزدیک با کنگره، همراه با جلسات علنی برای توضیح تهدیدات و راهبردها به شهروندان، اجزای اساسی این فرآیند هستند. با این حال، در آستانه حمله به ایران، ظاهراً هیچ‌یک از این اطلاعات ارائه نشده و هیچ‌یک از این مشورت‌ها صورت نگرفته است.^{xvii}

افزون بر محدودیت‌های قانون اساسی آمریکا، ممنوعیت استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت، سنگ‌بنای نظم حقوقی بین‌المللی و اصلی بنیادین است که بیش از ۸۰ سال به سود ایالات متحده عمل کرده است.^{xviii} استفاده از زور تنها در شرایط مشخصی مجاز است: یا با مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد یا در دفاع مشروع واقعی یا قریب‌الوقوع.^{xix} که هیچ‌یک از این شرایط در این مورد [اقدام نظامی اخیر ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران] وجود نداشت.

ده روز پس از نخستین حملات آمریکا به ایران، مایکل والتز، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، در نامه‌ای خطاب به رئیس شورای امنیت [سازمان ملل] مورخ ۱۰ مارس ۲۰۲۶، توجیهات حقوقی ایالات متحده برای جنگ را ارائه کرد.^{xx} این نامه مدعی نبود که هیچ قطعنامه فعلی یا پیشین شورای امنیت چنین حملاتی را مجاز دانسته است. همچنین هیچ درخواست رسمی از سوی یک دولت عضو سازمان ملل (یعنی اسرائیل) برای مشارکت آمریکا در دفاع جمعی – که طبق حقوق بین‌الملل ضروری است – ذکر نشده بود.^{xxi}

این نامه استدلال می‌کرد که حملات بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و در چارچوب دفاع مشروع توجیه‌پذیر هستند. با این حال، هیچ حمله یا تهدید حمله‌ای از سوی ایران علیه ایالات متحده که حتی به‌طور نسبی قریب‌الوقوع باشد، ارائه نشده و به‌جای آن به رویدادهایی همچون گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در سال ۱۹۷۹، بمب‌گذاری پادگان تفنگداران دریایی در بیروت در سال ۱۹۸۳، بمب‌گذاری برج‌های الخبر در عربستان سعودی در سال ۱۹۹۶ و سایر حوادث گذشته استناد شده است. هیچ‌یک از این رویدادها را نمی‌توان شواهد تهدید قریب‌الوقوع دانست. شواهد مربوط به تهدیدات مستمر یا ادامه‌دار، معیار حقوقی «فوریت حمله مسلحانه» برای اثبات ضرورت استفاده از زور ذیل ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] در سال ۲۰۲۶ را تأمین نمی‌کند.

ادعاهای پسینی مبنی بر اینکه حملات به دلیل تهدیدهای دیرپا – از جمله خصومت ایران، برنامه هسته‌ای یا فعالیت‌های منطقه‌ای آن – توجیه‌پذیر بوده‌اند نیز ظاهراً آستانه حقوقی لازم را برآورده نمی‌کنند. به هر حال، این ادعاها توجیه‌کننده دفاع پیش‌دستانه نیستند؛ دفاعی که در آن استفاده از زور فرامرزی تنها زمانی مجاز است که تهدیدی قریب‌الوقوع، فوری، قاطع و بدون هیچ گزینه جایگزینی وجود داشته باشد. اقدام نظامی برای مقابله با خطرات بلندمدت، خارج از حدود دفاع مشروع قانونی قرار می‌گیرد.^{xxi i}

دلایل متناقض، متغیر و پسینی دولت آمریکا برای استفاده از زور – با پیامدهای عظیم داخلی، منطقه‌ای و جهانی – آشکارا کمتر از الزامات حقوقی لازم برخوردار بوده و به‌روشنی نشان می‌دهد چرا قانون اساسی اختیار جنگ را به کنگره سپرده و نه به یک فرد واحد. توجیهات دایماً در حال تغییر دولت همچنین مسائل جدی‌ای را ذیل منشور سازمان ملل در خصوص ضرورت اخذ مجوز شورای امنیت یا تحقق دفاع مشروع به‌عنوان شرط استفاده از زور در این مورد مطرح می‌سازد.^{xxi i i}

نحوه اجرای جنگ؛

صرف‌نظر از تصمیم به آغاز محاصره مسلحانه، تمامی طرف‌های درگیر همچنان ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند. اصول "تفکیک"، "تناسب" و "ضرورت" ایجاب می‌کنند که عملیات نظامی صرفاً علیه اهداف مشروع نظامی انجام گیرد و آسیب به غیرنظامیان نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار، نامتناسب نباشد.^{xxi v}

گزارش‌ها درباره تلفات گسترده غیرنظامیان و آسیب به زیرساخت‌های غیرنظامی و دیگر اماکن دارای حمایت ویژه، ضرورت رعایت کامل این تعهدات و انجام تحقیقات معتبر درباره نقض‌های ادعایی را برجسته می‌سازد. با توجه به تهدیدها علیه میدان‌های گازی، پالایشگاه‌های نفتی و حتی تهدید به تصرف مواد هسته‌ای ایران، «راهنمای حقوق جنگ» وزارت دفاع آمریکا یادآوری مهمی از حقوق عرفی جنگ ارائه می‌دهد:

«حمله به تأسیسات، بناها یا مکان‌هایی که دارای نیروهای خطرناک هستند – مانند سدها، نیروگاه‌های هسته‌ای یا تأسیسات تولید سلاح‌های کشتار جمعی – تا زمانی مجاز است که مطابق سایر قواعد قابل اعمال، از جمله اصول تفکیک و تناسب، انجام شود.»^{xxv}

حملات هدفمند به زیرساخت‌های غیرنظامی همچون مدارس، بیمارستان‌ها، منابع آب یا شبکه‌های برق ممکن است جنایت جنگی محسوب شوند؛ همان‌گونه که تهدید به «بازگرداندن یک کشور به عصر حجر» نیز می‌تواند مصداق چنین جرایمی باشد.^{xxvi}

اخیراً نیز اظهارات رئیس‌جمهور ترامپ مبنی بر اینکه «امشب یک تمدن کامل نابود خواهد شد و هرگز باز نخواهد گشت»، به نظر می‌رسد تهدید به نسل‌کشی باشد.^{xxvii}

انجمن وکلای شهر نیویورک همچنین نسبت به گسترش دامنه مخاصمه ابراز نگرانی می‌کند. حملات تلافی‌جویانه ایران موجب توسعه بیشتر درگیری شده و خطر کشیده‌شدن دولت‌های دیگر به یک رویارویی منطقه‌ای را افزایش داده است. هرگونه استفاده از زور علیه دولت‌هایی که مستقیماً درگیر [مخاصمه] نبوده‌اند، نگرانی‌های جدی حقوقی ایجاد می‌کند و خطر بی‌ثباتی گسترده‌تر منطقه‌ای را در پی دارد. تشدید تنش در منطقه‌ای که از پیش بی‌ثبات است، پیامدهای انسانی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی مهمی؛ از جمله اختلال در بازارهای جهانی انرژی و تجارت بین‌المللی به همراه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری؛

استفاده از نیروی مسلح که توسط رئیس‌جمهور ایالات متحده بدون اختیار قانون اساسی آغاز شده و پرسش‌های حقوقی جدی ذیل منشور سازمان ملل متحد ایجاد می‌کند، اعتبار ایالات متحده را به‌عنوان مدافع حاکمیت قانون تضعیف می‌سازد، جایگاه این کشور را در جامعه جهانی خدشه‌دار می‌کند و نظم حقوقی بین‌المللی را تضعیف می‌نماید. احترام به حاکمیت قانون – چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی – امری اختیاری نیست؛ بلکه بنیانی اساسی برای صلح و امنیت کشور ما و سراسر جهان است.

بنابراین، انجمن وکلای شهر نیویورک:

- از کنگره می‌خواهد مسئولیت قانون اساسی خود را ایفا کرده و تمامی اقدامات لازم را برای اطمینان از انطباق این استفاده از زور با قانون اساسی و قوانین ایالات متحده اتخاذ کند؛
- از تمامی طرف‌ها می‌خواهد تضمین کنند که همه اقدامات نظامی با تعهداتشان ذیل حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مطابقت دارد؛
- خواستار انجام تحقیقات درباره نقض‌های ادعایی حقوق بشردوستانه بین‌المللی است؛ و
- خواهان توقف فوری خصومت‌های غیرقانونی است.



ارجاعات:

ⁱ در تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۲۶، یک هفته پیش از آنکه ایالات متحده این اقدام نظامی را آغاز کند، انجمن وکلای شهر نیویورک بیانیه‌ای درباره «تهدید به استفاده از زور علیه ایران» صادر کرد که در آن، تهدیدهای دولت فدرال برای به‌کارگیری نیروی نظامی آمریکا علیه ایران بدون تصویب کنگره یا شورای امنیت سازمان ملل متحد محکوم شده بود.

نگاه کنید به:

<https://www.nycbar.org/press-releases/on-the-threat-of-use-of-force-against-iran/>

ⁱⁱ منشور سازمان ملل متحد، مواد ۲(۳) و ۲(۴)، و نیز «تعریف تجاوز»، قطعنامه شماره ۳۳۱۴ (دوره بیست‌ونهم) مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴، ماده ۵(۱):

«هیچ ملاحظه‌ای، از هر نوع و ماهیتی — خواه سیاسی، اقتصادی، نظامی یا غیر آن — نمی‌تواند به‌عنوان توجیهی برای تجاوز مورد استناد قرار گیرد.»
iii برای نمونه، نگاه کنید به:

بیانیه انجمن وکلای شهر نیویورک درباره زندانی شدن نسرين ستوده، وکیل حقوق بشر، و دیگر مدافعان حقوق بشر در ایران (۸ مارس ۲۰۱۹)،
<https://www.nycbar.org/reports/statement-of-the-new-york-city-bar-association-on-the-imprisonment-of-human-rights-lawyer-nasrin-sotoudeh-and-other-human-rights-defenders-in-iran/>

بیانیه درخواست آزادی نسرين ستوده و دیگر زندانیان [فعال سیاسی] همزمان با فرارسیدن نوروز در جمهوری اسلامی ایران (۱۹ مارس ۲۰۲۰)،
<https://www.nycbar.org/reports/statement-urging-release-from-prison-of-nasrin-sotoudeh-and-others-as-the-islamic-republic-of-iran-marks-nowruz/>

درخواست جمعی از سازمان حقوقی بین‌المللی برای پایان دادن به پیگرد قضایی رضا خندان و نسرين ستوده در ایران (۱۹ دسامبر ۲۰۲۴)،
<https://www.nycbar.org/press-releases/two-dozen-international-legal-organizations-call-for-end-to-judicial-harassment-of-reza-khandan-and-nasrin-sotoudeh-in-iran/>

نامه ابراز نگرانی نسبت به زندانی شدن وکیل مدافع عبدالفتاح سلطانی (فوریه ۲۰۱۲)،
<https://www.nycbar.org/reports/letter-to-the-ambassador-of-the-islamic-republic-of-iran-to-the-united-nations-expressing-concern-with-the-incarceration-of-defense-lawyer-abdolfattah-soltani-february-2012/>

نامه به رئیس‌جمهور خاتمی درباره زندانی شدن دو وکیل (مارس ۲۰۰۳)،
<https://www.nycbar.org/reports/letter-to-his-excellency-hojjatolislam-val-moslemin-sayed-mohammad-khatami-president-of-the-islamic-republic-of-iran-regarding-the-imprisonment-of-two-lawyers-which-appears-to-be-solely-as-a-result-of/>

متأسفانه، نسرين ستوده بار دیگر بازداشت شده است. گزارش روزنامه The Guardian در تاریخ ۲ آوریل ۲۰۲۶ با عنوان:
“Award-winning Iranian human rights lawyer arrested in Tehran, says her daughter”
<https://www.theguardian.com/global-development/2026/apr/02/award-winning-iranian-human-rights-lawyer-arrested-in-tehran-says-her-daughter>

در راستای مأموریت انجمن برای حمایت از وکلا و حاکمیت قانون، ما به‌ویژه خطرات جسمی و روانی‌ای را که وکلای ایرانی و مدافعان حقوق بشر در نتیجه این جنگ با آن مواجه هستند محکوم می‌کنیم.

iv نامه به سفیر ایران درباره نقض حقوق بشر علیه اقلیت‌های جنسی در ایران (ژانویه ۲۰۰۸)،
<https://www.nycbar.org/reports/letter-to-the-ambassador-of-iran-concerning-human-rights-violations-againstsexual-minorities-in-iran/>

v نامه در مخالفت با «لایحه وکالت در ایران» (۱۷ نوامبر ۲۰۱۵)،
<https://www.nycbar.org/reports/letter-in-opposition-to-attorneyship-bill-in-iran/>

vi روز «وکیل در معرض خطر: وکالت در ایران» (۲۳ ژانویه ۲۰۲۴)،
<https://www.nycbar.org/videos/day-of-the-endangered-lawyer-lawyering-in-iran/>

vii در ۲۶ مارس، سرویس تحقیقات کنگره (Congressional Research Service) گزارش داد که ۵۰٬۰۰۰ نیرو به درگیری با ایران اعزام شده‌اند.
https://www.congress.gov/crs_external_products/R/PDF/R48887/R48887.1.pdf

همچنین:

بر اساس گزارش مدرسه وارتون دانشگاه پنسیلوانیا، دولت ایالات متحده در ۳۲ روز نخست جنگ ۲۷ تا ۲۸ میلیارد دلار هزینه کرده و این هزینه‌ها تا پایان آوریل به ۳۸ تا ۴۷ میلیارد دلار افزایش یافته است.

<https://budgetmodel.wharton.upenn.edu/blog/BE2026-2/>

و نیز:

روزنامه نیویورک تایمز جدول زمانی‌ای از گسترش دامنه درگیری منتشر کرده است که روند توسعه این جنگ را در منطقه و پیامدهای مرتبط با نفت و تنگه هرمز پوشش می‌دهد.

<https://www.nytimes.com/article/iran-war-trump-us-oil-hormuz-key-dates-events.html>

viii قانون اساسی ایالات متحده، ماده اول، بخش ۸، بندهای ۱۱ تا ۱۴ (اختیار اعلان جنگ، صدور اجازه برای صدور مجوز حمله و تلافی، ایجاد و پشتیبانی از ارتش‌ها، و ایجاد و نگهداری نیروی دریایی)؛ و نیز ماده اول، بخش ۹، بند ۷ (بند تخصیص بودجه / Appropriations Clause).
برای بحث درباره مبانی این تقسیم اختیارات، نگاه کنید به:

Steven P. Mulligan, “Legal Sidebar: The Declare War Clause, Part 2: Historical Background, Drafting, and Ratification” Congressional Research Service, Sept. 30, 2024 at

Mallory Wilson, "Trump avoids word 'war' to describe Iran conflict 'because you're supposed to get approval'", The Hill, Mar. 25, 2026

(با نقل قول از رئیس‌جمهور: «من از واژه جنگ استفاده نمی‌کنم چون می‌گویند اگر از واژه جنگ استفاده کنید شاید کار خوبی نباشد... آن‌ها واژه جنگ را دوست ندارند چون باید تأیید بگیرید. بنابراین من از واژه «عملیات نظامی» استفاده می‌کنم که در واقع همین است؛ یک نابودی نظامی است.»).

^{ix} مجوز استفاده از نیروی نظامی (Authorization for Use of Military Force)، قانون عمومی شماره ۱۰۷-۴۰، ۱۱۵ قانون اساسی ایالات متحده ۲۲۴ (۲۰۰۱) («AUMF 2001»)، و نیز قطعنامه مجوز استفاده از نیروی نظامی علیه عراق در سال ۲۰۰۲، قانون عمومی شماره ۱۰۷-۲۴۳، ۱۱۶ قانون اساسی ایالات متحده ۱۴۹۸ (۲۰۰۲) («AUMF عراق ۲۰۰۲»)، که بعداً به موجب قانون مجوز دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۲۴، قانون عمومی شماره ۱۱۸-۳۱، بخش ۱۷۲۲، ۱۳۷ قانون اساسی ایالات متحده ۱۳۶ (۲۰۲۳) لغو شد.

^x پرونده «کارولین» (Caroline incident) معیار حقوق عرفی بین‌المللی برای دفاع مشروع پیش‌دستانه را تبیین کرده است. نامه دنیل ویستر به لرد اشبرتون (۶ اوت ۱۸۴۲)، بازچاپ‌شده در ۲۹ British and Foreign State Papers 1129, 1138 (۱۸۵۷)، که در آن شرط «ضرورت دفاع از خود، فوری، قاطع، بدون امکان انتخاب وسیله و بدون هیچ لحظه‌ای برای تأمل» مطرح شده است.

در آن پرونده، ایالات متحده ادعای بریتانیا مبنی بر ضرورت اقدام را که بر الگوی رفتاری خطرناک از سوی مرز آمریکا و کانادا استوار بود، رد کرد.

همچنین نگاه کنید به:

قانون اختیارات جنگی (War Powers Resolution)، ۵۰ U.S.C. §§ 1541-1548 (۱۹۷۳).

برای بحث کامل درباره محدودیت اختیارات رئیس‌جمهور و نقش کنگره در مجوز استفاده از زور، نگاه کنید به:

Michael D. Ramsey & Stephen I. Vladeck, Common Interpretation: Declare War Clause, Nat'l Const. Ctr.
<https://constitutioncenter.org/the-constitution/articles/article-i/clauses/753>

(مشاهده‌شده در ۲۱ آوریل ۲۰۲۶)

که بیان می‌کند دیدگاه غالب این است که رئیس‌جمهور تنها در صورتی می‌تواند از زور استفاده کند که کنگره به‌طور رسمی یا از طریق قانون اجازه داده باشد. رؤسای جمهور می‌توانند به حملات علیه ایالات متحده پاسخ دهند و در شرایط محدود مانند عملیات صلح‌بانانه نیرو اعزام کنند. همچنین مجوز سازمان ملل متحد به‌عنوان جایگزین مجوز کنگره مورد بحث قرار گرفته است.

در ادامه، جک گولداسمیت استدلال کرده است که «قواعد حقوقی در حمله ایالات متحده به ایران بی‌کاربرد است»: نک:

Executive Functions, (Feb. 28, 2026), <https://www.execfunctions.org/p/law-is-irrelevant-to-the-us-attack>.

در حالی که تفاسیر مختلفی از این مسائل وجود دارد، این بیانیه منعکس‌کننده موضع دیرینه و ثابت انجمن وکلای شهر نیویورک است، حتی اگر این انجمن درباره هر مورد استفاده از زور توسط ایالات متحده بیانیه صادر نکرده باشد.

پس از حمله ایالات متحده به پاناما در سال ۱۹۸۹ در دوره ریاست‌جمهوری جورج اچ. دبلیو. بوش، انجمن وکلای شهر نیویورک مطالعه‌ای درباره تصمیم ایالات متحده برای استفاده از نیروی نظامی انجام داد و نتیجه گرفت که این تهاجم فاقد حمایت حقوق بین‌الملل بوده است.

ر.ک.: The Case of Panama, 47 Rec. Ass'n B. City N.Y. 604 (۱۹۹۲).

در سال ۲۰۰۲، این انجمن مشروعیت و انطباق حقوقی و قانون اساسی اقدام رئیس‌جمهور جورج دبلیو بوش برای آغاز تهاجم به عراق را بررسی کرد و نتیجه گرفت که برای عملیات گسترده با هدف تغییر رژیم یا با توجیه «دلایل اخلاقی»، مجوز کنگره ضروری است.

ر.ک.: The Legality and Constitutionality of the President's Authority to Initiate an Invasion of Iraq, 57 Rec. Ass'n B. City N.Y. 378 (۲۰۰۲).

در سال ۲۰۱۴، انجمن وکلای شهر نیویورک مشروعیت حقوقی «کشتارهای هدفمند» با پهبادهای بررسی کرد و فقدان شفافیت و توجیهات دولت اوباما را مورد انتقاد قرار داد.

<https://www2.nycbar.org/pdf/report/uploads/20072625-TheLegalityofTargetedInternationalKillingsbyUSLaunchedDrones.pdf>

در سال ۲۰۱۷، این انجمن نامه‌ای به رئیس‌جمهور ترامپ صادر کرد و استدلال نمود که در غیاب حمله واقعی یا قریب‌الوقوع به ایالات متحده (یا در برخی موارد به متحدان آن)، رئیس‌جمهور اختیار آغاز جنگ به‌صورت «دفاع پیش‌دستانه» علیه کشور دیگر را بدون مجوز قبلی کنگره ندارد.

https://www.nycbar.org/wp-content/uploads/2023/05/2017277-North_Korea_Letter_National_Security_TF_10.4.17.pdf

در اکتبر ۲۰۲۵، انجمن بیانیه‌ای درباره دستور رئیس‌جمهور دونالد جی. ترامپ برای حملات نظامی آمریکا علیه کشتی‌های خصوصی با پرچم ونزوئلا در دریاهای آزاد صادر کرد و نتیجه گرفت که هیچ مبنای حقوقی یا واقعی برای استفاده از نیروی مرگبار در آب‌های بین‌المللی بدون وجود مخاصمه مسلحانه قانونی یا دفاع مشروع وجود ندارد. این انجمن از رئیس‌جمهور خواست از ادامه این حملات غیرقانونی خودداری کند.

<https://www.nycbar.org/press-releases/unlawful-attacks-on-venezuelan-vessels/>

در ژانویه ۲۰۲۶، انجمن وکلای شهر نیویورک بیانیه‌ای صادر کرد که در آن استفاده از نیروی نظامی در ونزوئلا برای بازداشت رئیس‌جمهور آن کشور، کنترل ذخایر نفتی و اداره کشور را محکوم کرد و اعلام نمود این اقدامات ناقض قانون اساسی ایالات متحده، قانون اختیارات جنگی ۱۹۷۳ و منشور سازمان ملل متحد است.

<https://www.nycbar.org/press-releases/congress-must-act-to-halt-the-presidents-violations-of-u-s-and-international-law-in-venezuela/>

^{xi} نامه دونالد جی. ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، خطاب به چارلز ای. گرسلی، رئیس موقت سنا، درباره عملیات نظامی ایالات متحده در ایران (۲ مارس ۲۰۲۶).

<https://www.documentcloud.org/documents/27725118-war-powers-report-iran>

^{xii} نگاه کنید به گزارش ما با عنوان «بحران عمیق‌تر می‌شود: کنگره باید فوراً برای مقابله با تشدید سوءاستفاده‌های قدرت اجرایی اقدام کند» (۹ مارس ۲۰۲۶).

<https://www.nycbar.org/reports/the-crisis-deepens-congress-must-act-now-to-address-escalating-abuses-of-executive-power/?back=1>

^{xiii} همان‌گونه که لوئیس هنکین (Louis Henkin) اشاره کرده است:

«کنگره باید مجوز بدهد- نه صرفاً مشورت شود یا گزارش دریافت کند- هنگامی که ملت وارد جنگ می‌شود.»

The War Powers Resolution, 44 Rec. Ass'n B. City N.Y. 106, 125. (۱۹۸۹)

^{xiv} قانون امنیت ملی ۱۹۴۷ (National Security Act of 1947)، قانون عمومی شماره ۸۰-۲۵۳، Stat. 495 ۶۱ (مدون شده با اصلاحات بعدی در ۵۰ U.S.C. § 3001 و موارد بعدی)، که به موجب آن شورای امنیت ملی، وزارت دفاع و سازمان اطلاعات مرکزی (CIA) تأسیس شدند.

^{xv} قانون اصلاحات اطلاعاتی و پیشگیری از تروریسم ۲۰۰۴ (Intelligence Reform and Terrorism Prevention Act of 2004)، قانون عمومی شماره ۱۰۸-۴۵۸، بخش ۱۰۱۱، Stat. 3638 ۱۱۸، صفحات ۳۶۴۳-۳۶۶۱ (مدون شده در ۵۰ U.S.C. § 3023)، که بر اساس آن «مدیر اطلاعات ملی» (Director of National Intelligence) به‌عنوان رئیس جامعه اطلاعاتی و مشاور اصلی رئیس‌جمهور در امور اطلاعاتی ایجاد شد.

^{xvi} کمیته منتخب سنا در امور اطلاعاتی، S. Res. 400، کنگره نود و چهارم (۱۹۷۶)؛ کمیته دائمی منتخب مجلس نمایندگان در امور اطلاعاتی، H. Res. 658، کنگره نود و پنجم (۱۹۷۷)؛ و نیز ۵۰ U.S.C. § 3091 که رئیس‌جمهور را ملزم می‌سازد اطمینان حاصل کند کمیته‌های اطلاعاتی «به‌طور کامل و مستمر» از فعالیت‌های اطلاعاتی مطلع باشند.

کمیته نیروهای مسلح سنا صلاحیت خود را از قانون‌گذاری داخلی سنا، Rule XXV، دریافت می‌کند؛ و کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان نیز بر اساس Rule X مجلس نمایندگان تشکیل شده است.

همچنین کمیته روابط خارجی سنا و کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان بر سیاست خارجی و توافقات بین‌المللی، مطابق قواعد داخلی هر یک از مجالس، نظارت دارند.

^{xvii} هیچ یک از اعضای رهبری کنگره یا کمیته‌های ذی‌ربط تأیید نکرده‌اند که پیش از تصمیم به استفاده از نیروی نظامی علیه ایران، اطلاع‌رسانی یا مشورتی قبلی دریافت کرده باشند. گزارش‌های عمومی حاکی از آن است که گروه موسوم به «حلقه هشت‌نفره» (Gang of Eight) تنها پس از آغاز حمله از این موضوع مطلع شده است.

<https://www.cnn.com/2026/02/28/politics/iran-strikes-congress-war-powers-trump>

(بر اساس گزارش، این گروه متشکل از رهبران ارشد دو حزب در مجلس نمایندگان و سنا و همچنین رؤسای کمیته‌های اطلاعاتی است که معمولاً در جریان حساس‌ترین اقدامات امنیت ملی پیشاپیش اطلاع داده می‌شوند).

^{xviii} منشور ملل متحد، ماده ۲(۴):

«کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت، یا به هر نحو دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد مغایرت داشته باشد، خودداری خواهند کرد.»

^{xix} منشور ملل متحد، ماده ۵۱ (به رسمیت شناختن حق ذاتی دفاع مشروع «در صورت وقوع حمله مسلحانه»).

برای بحث تفصیلی، نگاه کنید به:

«بیش از ۱۰۰ کارشناس حقوق بین‌الملل هشدار می‌دهند: حملات ایالات متحده به ایران ناقض منشور سازمان ملل بوده و ممکن است مصداق جنایت جنگی باشد».

<https://www.justsecurity.org/135423/professors-letter-international-law-iran-war/>

xx نامه مورخ ۱۰ مارس ۲۰۲۶ از نماینده دائم ایالات متحده آمریکا نزد سازمان ملل متحد خطاب به رئیس شورای امنیت (United Nations

S/2026/161)، مورخ ۱۱ مارس ۲۰۲۶.

<https://www.documentcloud.org/documents/27888144-n2605041/>

در این نامه گزارش شده است که ایالات متحده در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرده و این اقدامات را در چارچوب ماده ۵۱ منشور ملل متحد و در اعمال حق ذاتی دفاع مشروع توجیه می‌کند.

xxi پرونده «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه (نیکاراگوئه علیه ایالات متحده)»، رسیدگی ماهوی، گزارش دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ Reports) 1986، بندهای ۱۶۵، ۱۹۱ و ۲۰۰ و بعد از آن، که در آن دیوان با توجه به ادعای ایالات متحده مبنی بر اعمال حق دفاع مشروع جمعی برای حمایت از السالوادور، هندوراس و کاستاریکا، بررسی می‌کند که آیا این دولت‌ها یا هر یک از آنها درخواست چنین حمایتی را ارائه کرده‌اند یا خیر. همچنین نگاه کنید به:

Brian Finucane, "An Unserious Justification for an Unnecessary War: Assessing the U.S. 'Article 51' Letter to U.N. on Iran War," <https://www.justsecurity.org/134290/us-article-51-letter-United-nations/>

(که در آن آمده است: «این نامه مشخص نمی‌کند که چه حمله مسلحانه‌ای از سوی ایران علیه اسرائیل مبنای استفاده از زور در دفاع مشروع جمعی بوده است»)

در تاریخ ۲۱ آوریل، مشاور حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا بیانیه‌ای منتشر کرد که بسیاری از همان ادعاهای مطرح‌شده در نامه ۱۰ مارس ذیل ماده ۵۱ را تکرار کرده و افزود که ایالات متحده «در این درگیری بنا به درخواست و در چارچوب دفاع مشروع جمعی از متحد اسرائیلی خود مشارکت داشته است». با این حال، هیچ سند یا اظهارنظر رسمی در دست نیست که نشان دهد اسرائیل چنین درخواستی از ایالات متحده برای دفاع جمعی مطرح کرده باشد.

<https://www.state.gov/releases/office-of-the-legal-adviser/2026/04/operation-epic-fury-and-international-law/>

برای تحلیل اینکه چرا پست وبسایت ۲۱ آوریل با الزامات حقوق بین‌الملل در زمینه دفاع مشروع انطباق ندارد، نگاه کنید به:

برایان فینوکین، «بازداشت وزارت خارجه» "Just Security, Operation Epic Fury and International Law" (۲۴ آوریل ۲۰۲۶)،

<https://www.justsecurity.org/137097/state-department-epic-fury-international-law/>

بیانیه حاضر انجمن وکلای شهر نیویورک متعرض یا ناظر بر ادعاهای دفاع مشروع اسرائیل نمی‌باشد.

xxii پرونده «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه (نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا)»، رسیدگی ماهوی، گزارش دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ Reports) 1986، بند ۱۹۱؛ و نیز «پرونده سکوه‌های نفتی (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)»، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، ICJ Reports 2003، بندهای ۵۱ تا ۶۴.

xxiii منشور ملل متحد، ماده ۲(۴) (کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت، یا به هر نحو دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد مغایرت داشته باشد، خودداری خواهند کرد)؛ همچنین:

نامه سازمان ملل متحد به شماره S/2026/161، مورخ ۱۱ مارس ۲۰۲۶، نامه مورخ ۱۰ مارس ۲۰۲۶ از نماینده دائم ایالات متحده آمریکا نزد سازمان ملل متحد خطاب به رئیس شورای امنیت؛ و نامه رئیس‌جمهور ترامپ به چارلز گرسلی، رئیس موقت سنا، مورخ ۲ مارس ۲۰۲۶.

ماده ۵۱ منشور، استثنای محدود برای دفاع مشروع است و نه توجیهی گسترده برای تشدید تنش یا گسترش درگیری. این انجمن هشدار می‌دهد که تفسیرهای موسع از ضرورت و تناسب می‌تواند به تضعیف محدودیت‌های حقوقی تثبیت‌شده و دیرپا در این حوزه منجر شود.

xxiv نگاه کنید به: کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، ماده مشترک ۳؛ پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ (پروتکل الحاقی اول)، مواد ۴۸، ۵۱، ۵۲ و ۵۷؛ و نیز مطالعه حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)، قواعد ۱، ۱۴ و ۱۵.

xxv راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا (U.S. Department of Defense Law of War Manual)، بخش ۵.۱۳.

<https://apps.dtic.mil/sti/trecms/pdf/AD1207225.pdf>

(با تأکید اضافه‌شده).

xxvi راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا (U.S. Department of Defense Law of War Manual)، بخش‌های ۵.۴.۲، ۵.۴.۳.۲ و ۵.۱۶.۱.

xxvii روزنامه نیویورک تایمز، «با تهدید به نابودی تمدن ایران، لفاظی‌های ترامپ فراتر از اغراق می‌رود»، ۷ آوریل ۲۰۲۶.

<https://www.nytimes.com/2026/04/07/us/politics/trump-iran-civilization-threat.html>

کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی، ۹ دسامبر ۱۹۴۸، قطعنامه ۲۶۰ (III) A مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

Margaret Donovan and Rachel VanLandingham, Lt Col, USAF (Ret.), “When War Crimes Rhetoric Becomes Battlefield Reality: The Slippery Slope to Total War on Iran”, Just Security, Apr. 6, 2026, <https://www.justsecurity.org/135797/war-crimes-rhetoric-power-plants-iran/>

